

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و
ارسال رایگان

Medabook.com



مدابوک



دریافت برنامه ریزی و مشاوره

از مشاوران رتبه برتر

هوشه کنکوری آیدی نوین

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۴



خشت اول (مهارت‌های راهبردی تست‌زنی)

تعداد سؤال قلمرو فکری در کنکور: ۹ سؤال (۳۶٪)

- هر متنی از سه قلمرو یا لایه تشکیل شده است که ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. این سه لایه شامل قلمرو زبانی، ادبی و فکری می‌شود.
- تسلط بر قلمرو زبانی که شامل چهار مهارت دستور و هفت مهارت واژگان است، مقدمه تسلط بر قلمرو فکری یک متن به شمار می‌رود. از این رو، زیربنای درک مطلب شناخت ساختار زبان است.
- در هر زبانی، جمله واحد انتقال پیام است و شناخت جمله یعنی شناخت پیام متن. همچنین، جمله‌های یک زبان به دو گروه ساده و غیرساده تقسیم می‌شوند که به ترتیب پیام‌های ساده و ترکیبی را منتقل می‌کنند. البته، ممکن است در یک متن چند پیام ساده در کنار هم یا پیام‌های ساده و ترکیبی در کنار هم قرار بگیرند.
- باید توجه داشت که رمز درک پیام یک متن تفکیک آن به جمله‌های سازنده، به عبارت دیگر، شمارش ذهنی جمله‌های ساده و غیرساده آن است. همچنین آشنایی با واژگان و اصطلاحات و برخی آرایه‌ها، مانند تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه در فهم درست پیام نقش بسزایی دارند.
- در خشت اول کوشیده‌ایم، هر چند بسیار مختصر، در عین حال، جامع و مؤثر، روش برخورد با متن را برای درک پیام آن بازنماییم.

انواع متن از نظر پیام

- هر متنی شامل یک یا چند مفهوم است. از این رو، متن را می‌توان حاوی یک پیام ساده، یک پیام ترکیبی یا چند پیام مستقل و هم‌ارزش در کنار هم دانست.

نمونه پیام ساده

- «تا جهان بود از سر آدم فراز / کس نبود از راز دانش بی‌نیاز» (مفهوم: نیاز انسان به دانش)
- در این متن تنها یک پیام منتقل شده است.

نمونه پیام ترکیبی

- «یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر / کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی» (مفهوم: عشق حقیقی موجب پاکی انسان)
- در این بیت، پیام دارای دو بخش مرتبط به هم است؛ یعنی، غرق عشق خدا شدن عملی است که پاکی نتیجه آن است. به عبارت دیگر، جمله اول، شرط و جمله سوم نتیجه شرط است.

نمونه متن چندپیامی یا پیام‌های هم‌ارزش

- «نی حریف هر که از یاری برید / پرده‌هایش پرده‌های ما درید» (مفهوم: همدمی‌نی باعشق / افشاگری‌نی)
- در این بیت، هر مصراع، یکی از ویژگی‌های مستقل «نی» را بیان می‌کند. در مصراع اول به مفهوم «همدمی و محرمیت نی با عاشق هجران‌کشیده» و در مصراع دوم به ویژگی «افشاگری نی» اشاره شده است. این دو مفهوم ارتباط دستوری یا مفهومی با هم ندارند.

چستی پیام در متن

- با توجه به انواع ادبی، هر متنی، مفهومی تعلیمی، غنایی یا حماسی را با جمله‌ای امری، خبری یا عاطفی و انشایی منتقل می‌کند. پس هر پیامی را می‌توان در یکی از دسته‌بندی‌های زیر قرار داد.

۱) امر و نهی: پیام متن می‌تواند مخاطب را به مطلوبی امر کند یا از نامطلوبی نهی کند.

«برو کار می‌کن (امر به کار) / مگو چیست کار (نهی از تنبلی)» که سرمایه جاودانی است کار»

۲) ستایش و نکوهش: پیام متن می‌تواند امر مطلوبی را ستایش کند تا مخاطب به انجام آن ترغیب شود یا چیزی را نکوهش کند تا مخاطب از آن کار دوری کند.

«ساقیا لطف نمودی قدحت پُرمی باد / که به تدبیر تو تشویش خمار آخر شد» (ستایش لطف ساقی)

«تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون / کجا به کوی طریقت گذر توانی کرد؟» (نکوهش دل‌بستگی به دنیا)

۳) توصیف: گاهی پیام متن توصیف حالات درونی یا بیرونی است که در ادبیات غنایی کاربرد زیادی دارد.

«دوش دور از رویت ای جان جانم از غم تاب داشت / ابر چشمم بر رخ از سودای تو سیلاب داشت» (حالت درونی)

(حالت بیرونی)

۴) تصویرسازی: گاهی پیام متن تصویری است که شاعر از طبیعت، ظاهر اشخاص و صحنه‌های نبرد و غیره می‌آفریند.

«بیامد دوصد مرد آتش‌فروز / دمیدند گفتی شب آمد به روز» (تصویر دود غلیظ آتش)

«زین لاله بشکفته در دامن صحرا / هر لاله نشان قدم راهنوردی است» (تصویرسازی از گلبرگ سرخ لاله)

۵ بار مفهومی واژه یا اصطلاح: گاهی واژگان یا اصطلاحات، مفهوم خاصی را منتقل می‌کنند که بار معنایی بیت به آن مفهوم بستگی دارد. مانند واژگان «اشتیاق»، «غم»، «همت»، «کرامت» و ...

«گفتم ببینمش مگرم درد اشتیاق ساکن شود بدیدم و مشتاق تر شدم» (مفهوم «جذبه» در واژه «اشتیاق»)

خوانش پیام‌محور

آنچه در خوانش پیام‌محور مهم است، مجزاً خواندن جمله‌های مستقل متن است. به گونه‌ای که، اگر مخاطبی فرضی پیش رویمان باشد، پیام جمله‌ها را کاملاً درک کند و قصد خواننده از خواندن، به جای فهمیدن متن، فهماندن آن به مخاطب باشد.

سازوکارهای مهم خوانش پیام‌محور

هر متنی از واج‌ها، واژه‌ها، گروه‌ها، جمله‌ها و در نهایت، جمله‌های مستقل ساخته شده است. این واحدهای زبانی «زنجیره گفتار» را شکل می‌دهند. علاوه بر این عناصر، واحدهایی هم در زبان وجود دارد که نشانه‌های الفبایی ندارد ولی در تعیین و انتقال پیام متن، نقش اساسی و انکارناپذیری دارد که از آنها به «واحدهای زبرزنجیری گفتار» تعبیر می‌شود. عمده‌ترین این واحدها شامل «تکیه»، «درنگ»، «آهنگ»، «جدایی و پیوستگی» و «کشش» می‌شود.

۱ **تکیه:** برجسته‌تر تلفظ شدن یکی از هجاهای واژه را «تکیه» می‌گویند. تکیه اغلب، در اسم و صفت و قید در هجای پایانی است ولی در افعال، جای آن متغیر است. برای مثال، اگر تکیه واژه «آسمانی» در هجای پایانی قرار بگیرد، واژه «صفت نسبی» می‌شود ولی اگر تکیه به ماقبل آخر منتقل شود، نوع «ی» نکره می‌شود و «آسمان» همان معنای اسمی خود را دارد. به مقایسه این دو واژه در دو جمله زیر توجه کنید.

«آسمانی بی‌ابر / اطلسی‌هایی تری...» ← تکیه: ما قبل آخر، نوع «ی»: نکره، معنای واژه: مقابل زمین

«نغمه‌های آسمانی شعر حافظ به گوش می‌رسد.» ← تکیه: پایانی، نوع «ی»: نسبی، معنای واژه: منسوب به آسمان

۲ **درنگ:** هر واژه‌ای با یک درنگ کوتاه از واژه دیگر جدا می‌شود؛ همچنین، هر جمله‌ای با یک درنگ از جمله دیگر جدا می‌شود. نشانه درنگ پایانی جمله «نقطه» است که بیانگر کامل شدن پیام جمله است. اگر پیام جمله کامل نشده باشد و نیاز به آوردن جمله دیگری باشد، از نشانه درنگ غیر پایانی یا «ویرگول» استفاده می‌شود. به دو نمونه زیر دقت کنید.

(آ) درنگ در واژه

دوستم هر روز، نامه‌ای می‌خواند. (خواندن روزی یک نامه) / دوستم هر روزنامه‌ای می‌خواند. (خواندن انواع روزنامه)

با مقایسه دو جمله، به نقش «درنگ» در تغییر معنای دو واژه می‌توان پی برد.

(ب) درنگ در جمله

«تن آدمی شریف است، به جان آدمیت؟ نه همین لباس زیباست نشان آدمیت»

در مصراع اول بیت درنگی دیده می‌شود. اگر این درنگ را پس از واژه «نه» قرار دهیم و مصراع اول را هم با آهنگ خیزان و پرسشی بخوانیم، مفهوم بیت کاملاً برعکس خواهد شد. توجه کنید:

«تن آدمی شریف است به جان آدمیت؟ نه، همین لباس زیباست نشان آدمیت»

یعنی: تن آدمی با روح انسانی شریف نیست بلکه همین لباس زیبا نشان انسانیت است.

۳ **آهنگ:** به دو گونه «خیزان» و «افتان» ادا می‌شود. در آهنگ خیزان صدای خواننده در پایان جمله کشیده می‌شود و در اوج خود به پایان می‌رسد. در آهنگ افتان صدای خواننده با سیر نزولی در آخر جمله به پایان می‌رسد.

۴ **خوانش گروه‌ها:** در گروه‌های اسمی دارای صفت یا مضاف‌الیه، باید به نقش‌ما توجه داشت. یکی از رایج‌ترین اشکالات خواندن، تلفظ نکردن نقش‌مای اضافه (-) پس از هسته گروه‌هاست که موجب بدفهمی می‌شود.

۵ **خوانش واژه‌ها:** درست‌خوانی واژگان، به ویژه واژگان هم‌آوای یکسان و همسان به درک بهتر مفهوم متن کمک می‌کند.

ساز و کار درست خواندن واژه در متن

۱ **توجه به محیط معنایی واژه (هم‌نشینی):** هر واژه‌ای در زنجیره کلام معنا پیدا می‌کند. به طوری که، تعیین معنای واژه بدون توجه به متن، گاه، غیرممکن می‌شود. به مثال زیر دقت کنید.

«مهر مهر دلبری بر جان ماست جان ما در حضرت جانان ماست»

اگر خواننده به مفهوم بیت توجه داشته باشد و خواندن را با معنا همراه کند، واژه اول را «مهر» و واژه دوم را «مهر» خواهد خواند. چون شکل‌های دیگر خواندن این دو واژه به معنای مناسبی نمی‌انجامد.

۲ **توجه به وزن شعر:** وزن شعر بر اساس هجاهای زبان شکل می‌گیرد پس اگر واژه‌ای، نادرست خوانده شود، موسیقی شعر ناهماهنگ می‌شود و این ناهماهنگی، خود، نشان‌دهنده خوانش نادرست است. پس باید گفت: درست ادا کردن وزن شعر مانع نادرست خواندن بسیاری از واژگان است. به مثال زیر دقت کنید.

«گر رود دیده و عقل و خرد جان تو مرو که مرا دیدن تو بهتر از ایشان تو مرو»

اگر کسی این بیت را موزون بخواند، هرگز واژه «رود» را که فعل جمله است، به صورت «رود» (مسیر جریان آب) نمی‌خواند.

۳. **گسترده‌ی دایره واژگان در اثر مطالعه زیاد متون نظم و نثر:** خواندن هر روزه شعر به ویژه، شعر حافظ، سعدی، مولانا و صائب تبریزی که بیشترین کاربرد را در طراحى سؤالات کنکور دارد و دقت و اطمینان از درست‌خوانی آنها با استفاده از فایل‌های صوتی معتبر، دایره واژگان شما را وسعت می‌بخشد.

○ نمونه‌هایی از واژگانی که باید در خواندن آنها دقت کرد.

«گنْد، گنْد، گنْد / بُود، بُود / رَسَم (فعل)، رَسَم (مرسوم) / ماند، ماند / روم، رَوم / دُرد، درد، دَرْد (فعل) / بستان، بستان / مُردم، مردم (مرد هستم)، مُردَم / ذَر، ذَر (مروارید) / گَه، گَه / سَر، سِر / مَهر، مَهر / قوت، قوت / سَبک، سَبک / زَست، زَست / می، می (فعل) / پَه، پَه / کِشتی، کِشتی / مَه، مَه ...»

مفاهیم کلی در انواع ادبی

۱. **ادبیات حماسی:** زمینه‌های حماسه شامل: داستانی، قهرمانی، خرق عادت و قومی و ملی / تقابل فضای بدی (ضحاک) و خوبی (فریدونی) / مبارزه با ظلم و دعوت به دادخواهی / دعوت به قیام عمومی / شجاعت و جنگاوری / نکوهش دشمن / ستایش پاکی و پاکدامنی / دوری از ننگ و بدی و ...

۲. **ادبیات تعلیمی:** دعوت به اخلاق و فضایل مشترک / ادب سخن گفتن و فضیلت سکوت / رعایت حلال و حرام / احترام بزرگان / فروتنی و تواضع / دوری از دروغ‌گویی / قناعت و خرسندی / دوری از حرص و طمع و ...

(پ) سیاسی - اجتماعی

(ب) عرفانی

(آ) عاشقانه

۱- ویژگی‌های عاشق: پاکبازی / پایداری در عشق / نصیحت‌ناپذیری / وفاداری / بلاکشی و بلاجویی / خلوص / تواضع در برابر معشوق / ترجیح دادن معشوق بر دنیا و آخرت و بهشت و نعمت‌های آن / تحمل رنج هجران / امیدواری به وصال / بی‌قراری / شادمانی به وصال / قانع بودن به نگاهی از معشوق / اشکباری و زردرویی / حیات یافتن از عشق معشوق / ستیز با عقل، صبر و منطق / سیری‌ناپذیری از عشق / بی‌نیازی از عمر و زندگی مادی و ...

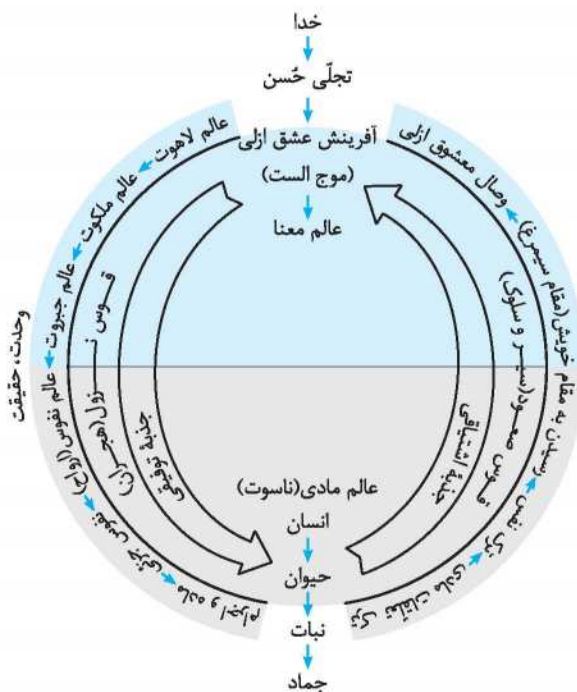
۲- ویژگی‌های معشوق: برتری بر همه در زیبایی / جفاکاری و بی‌وفایی / جذب و شورانگیزی / دور از دسترس بودن / استغنا و بی‌نیازی از عاشق / لطف و عنایت و دلداری و ...

۳- ویژگی‌های عشق: ازلی و ابدی بودن / آسان‌نمایی و دشواری / غلبه و قدرتمندی / تقابل با عقل و صبر و منطق و نصیحت / بی‌کراکی و فراگیر بودن / کمال‌بخشی / شورانگیزی / حیات‌بخشی و سودمندی / درمان‌بخشی و دردآفرینی / پرده‌داری و افشاگری / سکوت‌آور بودن برای عاشق / نفوذ و تأثیرگذاری / گریزناپذیری و ...

تجلی حسن خدا / آفرینش عشق ازلی / آفرینش عالم معنا (لاهورت و ملکوت و جبروت) / آفرینش عالم مادی (ملک و ناسوت) / نزول روح الهی به جسم مادی انسان در جهان مادی / غرق شدن انسان در تعلقات نفسانی / آرزوی بازگشت به اصل / ریاضت و ترک تعلقات جسمانی و نفسانی و روحانی / عبور از موانع برای رسیدن به مقام «خویش» (بعد الهی انسان یا مقام سیمرغ) / رسیدن به وصال معبود (معشوق ازلی) / پیمودن مراحل سیر و سلوک (طلب تا فنا) با پیروی از پیر راهنما (پخته) و رسیدن به مقام ارشاد / صحبت و هم‌نشینی با دردآشنا / عزلت و گوشه‌نشینی از اغیار و بیگانگان (خام) / درک جذبه حق (توفیق) / داشتن جذبه قلبی (اشتیاق) برای بازگشت به اصل / وجود عشق و اشتیاق بازگشت در همه موجودات / عشق الهی مایه حیات همه ذرات هستی / وحدت وجود و ...

(ب) عرفانی

○ چرخه اندیشه عرفانی



۱- ادبیات مشروطه و بیداری و معاصر تا انقلاب اسلامی	۱- آزادی و آزادی خواهی ۲- توصیف استبداد و دعوت به استبداد ستیزی ۳- مبارزه با استعمار و نفوذ بیگانه ۴- قانون واهی ۵- عدالت خواهی ۶- توجه به مردم و بیداری آنان ۷- وطن خواهی ۸- توجه به صاحبان اندیشه (توجه به روشن فکران جامعه)
۲- دوران انقلاب اسلامی	۱- توصیف خفقان حاکم بر جامعه ۲- مبارزه با فریبکاری و نیرنگ ۳- امید به آزادی و پیروزی ۴- عظمت شهید و شهادت
۳- دوران جنگ تحمیلی	۱- مبارزه با دشمن برای حفظ وطن ۲- مفاهیم عاشورایی (جانبازی و شهادت طلبی و ...) ۳- مفاهیم انتظار موعود

نوع نگاه به متن

داستان «قصه عینکم» را به خاطر بیاورید. شخصیت اصلی داستان پیش از عینک زدن، دیوار را سطحی یکدست و درختان را انبوهی از برگ های درهم تنیده می دید ولی پس از زدن عینک پیرزن کازرونی، آجرهای دیوار و برگ های درختان را جداجدا، دید. اگر تمرین کنیم تا نگاهمان به متن این گونه باشد، مفاهیم را جداجدا و قابل تجزیه و تحلیل در خواهیم یافت.

منظور از نقشه محتوایی چیست؟

هر متنی از یک مفهوم یا ترکیبی از مفاهیم شکل گرفته است. تفکیک مفاهیم یک متن و نمایش دادن آن در کلیدواژه ها را می توان نقشه محتوایی آن متن نامید.

استفاده از نقشه محتوایی در تحلیل متن

پیش از این، بیشتر دوستان نویسنده برای هر بیتی کلیدواژه ای طراحی می کردند که اغلب، بیانگر پیام اصلی آن متن بود و چه بسا، مفاهیم فرعی و ضمنی یا مفاهیم واژگان خاص مورد غفلت قرار می گرفت و طراح کنکور با استفاده از این خلأ، سؤال خود را براساس مفهوم فرعی طراحی می کرد. در حالی که، داوطلب، بیت را با همان مفهوم اصلی و محوری می شناخت.

استفاده از نقشه محتوایی به جای کلیدواژه محوری، علاوه بر این که دید دانش آموز را نسبت به متن گسترش می دهد و احتمال هر سؤالی را از هر گوشه متن به او فرامی نماید، از یکسوگی (کانالیزه شدن) ذهن دانش آموز نیز جلوگیری می کند تا او بتواند نگاه خلاقانه ای به متن داشته باشد. چون خلاقیت طراح سؤال را تنها می توان با نگاه خلاقانه دریافت و سؤال او را پاسخ داد.

نقشه محتوایی دانش آموز را به این نگرش می رساند که ممکن است، در یک بیت تنها یک مفهوم نباشد بلکه متن، ترکیبی از مفاهیم باشد و یا مفاهیم مستقل و هم ارزش کنار هم نشسته باشند و طراح یک یا چند مورد از مفاهیم را در سؤال خود به کار برده باشد.

زبان رنگ: دانش آموز با دنبال کردن رنگ در جدول های نقشه محتوایی با دست یافتن به خوانش پیام محور و اندیشه جامع در متن، ارتباط مفهوم متن با بیت مثال را به طور عینی و دیداری مشاهده می کند و یک یادگیری عمیق را تجربه می کند.

نمونه ای از جدول های نقشه محتوایی

تاکمی می صبح و شکر خواب بامداد	هشیار گرد هان که گذشت اختیار عمر
مهر طاعت نفس شهوت پرست	که هر ساعتش قبله دیگر است
خواب نوشین بامداد رحیل	باز دارد پیاده را ز سبیل
غنیمت است غنیمت شمار فرصت عمر	که تن ضعیف نهاد است و عمر بی بنیاد

نگاه طراح به متن

طراح سؤال چهار گزینه ای نگاه متنوعی به متن شعر و نثر دارد. گاه متنی با پیام ساده را محور سؤال قرار می دهد و گاه یک متن با پیام ترکیبی یا چند پیامی را. **نگاه به متن یک پیامی:** طراح در یک برخورد ساده، پیام اصلی متن را مد نظر قرار داده، قربان آن را با بیت یا ابیاتی در گزینه ها می خواهد. این نوع طراحی به سؤال ساده یا متوسطی می انجامد.

(۱۴۹۴)

نمونه ۱: بیت «هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش» با کدام گزینه قربان مفهومی دارد؟

- ۱) دل قطره ای ز شبنم دریای عشق اوست
- ۲) سیل دریادیده هرگز بر نمی گردد به خود
- ۳) چون ز دریا سوی ساحل بازگشت
- ۴) سروری را اصل و گوهر برترین سرمایه است

✓ **پاسخ:** گزینه (۱) پیام اصلی صورت سؤال «بازگشت به اصل» است که در گزینه «۱» در تمثیل «بازگشت قطره به دریا» بیان شده است. بررسی سایر گزینه ها: ۲) عاقل نشدن دیوانه عشق ۳) بازگشت به فرع (ساحل) ۴) نژاد، سرمایه رسیدن به مقام؛ جدول نقشه محتوایی سؤال به صورت زیر است.

هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش	بازجوید روزگار وصل خویش
دل قطره ای ز شبنم دریای عشق اوست	کز راه دیده باز به دریا همی رود

«بازگشت به اصل»

(ریاضی ۸۷)

نمونه ۲: مفهوم عبارت «کَلْ شَیْءٍ یَرْجِعُ اِلَیْ اَصْلِهِ» در کدام بیت وجود ندارد؟

- (۱) سیر جسم خشک بر خشکی فتاد سیر جان پا در دل دریا نهاد
(۲) مادر فرزند جویان وی است اصلها مر فرعها را در پی است
(۳) دل تو را در کوی اهل دل کشد تن تو را در حبس آب و گل کشد
(۴) جان گشوده سوی بالا بالها تن زده اندر زمین چنگالها
- گزینه (۲)، مفهوم صورت سؤال «بازگشت به اصل» است که در گزینه‌های «۱، ۳ و ۴» دیده می‌شود. بیت گزینه «۲» به «بازگشت اصل به فرع» اشاره دارد که در تمثیل «بازگشت مادر به فرزند» آمده است. نقشه محتوایی سؤال به صورت زیر است.

کَلْ شَیْءٍ یَرْجِعُ اِلَیْ اَصْلِهِ. (هر چیزی به اصل خود بازمی‌گردد).

سیر جسم خشک بر خشکی فتاد سیر جان پا در دل دریا نهاد
دل تو را در کوی اهل دل کشد تن تو را در حبس آب و گل کشد
جان گشوده سوی بالا بالها تن زده اندر زمین چنگالها

«بازگشت به اصل

۲) نگاه به متن چندپیمایی (شامل پیام اصلی و فرعی)

آ) مطرح کردن پیام اصلی: طراح با محور قراردادن پیام اصلی بیت، گزینه‌ها را تعیین می‌کند که با پی‌بردن به مفهوم اصلی بیت می‌توان به پاسخ سؤال رسید. سطح این‌گونه سؤال متوسط و گاه ساده است که به گزینه‌های دیگر بستگی دارد.

(هنر ۹۴)

نمونه: بیت «نی حدیث راه پر خون می‌کند / قصه‌های عشق مجنون می‌کند» با کدام گزینه قرابت مفهومی دارد؟

- (۱) از ترک‌تاز عشق شکایت چه سان کنم کاین لشکر از سپاه من اول زبان گرفت
(۲) بر آستان محبت قدم منه خواجه که هر که پای در این ره نهاد، سر بنهاد
(۳) مرا بی عشق مهرویان بقای سر نمی‌باید که سر بی‌عشق، بر گردن کشیدن بار دوش آمد
(۴) حافظ چه نالی، گر وصل خواهی خون بایدت خورد در گاه و بی‌گاه
- گزینه (۲): مفهوم اصلی بیت، بیان ویژگی «سختی راه عشق» است. این مفهوم در گزینه (۲) نیز آمده است و شاعر با خطاب به خود، از سختی و خوف و خطر راه عشق سخن گفته است. در این بیت، طراح هیچ توجّهی به ویژگی «حکایت‌گری نی» ندارد و تنها «خوف و خطر راه عشق» محور سؤال قرار گرفته است. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) سکوت عاشق در اثر عشق (۳) پاکبازی عاشق (۴) بلاکشی عاشق در راه وصال، نقشه محتوایی سؤال به شکل زیر است.

نی حدیث راه پر خون می‌کند قصه‌های عشق مجنون می‌کند

بر آستان محبت قدم منه خواجه که هر که پای در این ره نهاد، سر بنهاد

«خوف و خطر راه عشق

ب) مطرح کردن پیام فرعی: طراح به جای پیام اصلی و آشکار بیت، پیام فرعی آن را در نظر می‌گیرد و شرایط حاکم بر سؤال، داوطلب را به سوی آن پیام می‌کشد.

(هنر ۸۷)

نمونه: بیت «بگو ای نای حال عاشقان را / که آواز تو جان می‌آزماید» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

- (۱) روزها گر رفت گو، رو، باک نیست تو بمان ای آن که چون تو پاک نیست
(۲) هر که جز ماهی ز آبش سیر شد هر که بی‌روزی است، روزش دیر شد
(۳) نی حدیث راه پر خون می‌کند قصه‌های عشق مجنون می‌کند
(۴) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست لیک کس را دید جان دستور نیست
- گزینه (۳): مفهوم صورت به «حکایت‌گری نی» دلالت می‌کند. شاعر از نی می‌خواهد تا حکایت حال عاشقان را بگوید. این مفهوم از بیت گزینه «۳» نیز برداشت می‌شود که مفهوم فرعی و ضمنی این بیت است. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) بی‌نیازی عاشق از عمر (۲) سیری ناپذیری اشتیاق عاشق (۴) پیدایی و ناپیدایی روح؛ نقشه محتوایی سؤال به شکل زیر است.

بگو ای نای حال عاشقان را که آواز تو جان می‌آزماید

نی حدیث راه پر خون می‌کند قصه‌های عشق مجنون می‌کند

«حکایت‌گری نی

۳) نگاه به چند پیام مستقل و هم‌ارزش در یک متن: گاهی طراح به چند پیام هم‌ارزش که در یک متن در کنار هم قرار گرفته است، توجه می‌کند و یک سؤال چند ارجاعی (چند پیامی) طراحی می‌کند که هر گزینه‌ای در آن به یکی از پیام‌های متن برمی‌گردد و پاسخ نیز گزینه‌ای فریبنده ولی غیر مرتبط است. این گونه سؤالات اغلب سطح سختی دارند.

نمونه: کدام بیت به مفهوم عبارت زیر اشاره ندارد؟

«ای کریمی که بخشنده عطایی و ای حکیمی که پوشنده خطایی و ای صمدی که از ادراک خلق جدایی و ای قادری که خدایی را سزایی، جان

(ریاضی ۸۷)

ما را صفای خود ده و ما را آن ده که آن به و مگذار ما را به که و مه.»

۱) اکبر و اعظم خدای عالم و آدم	صورت خوب آفرید و سیرت زیبا
۲) خداوند بخشنده دستگیر	کریم خطابخش پوزش‌پذیر
۳) به خدایی سزا مر او را دان	شب و شبگیر رو مر او را خوان
۴) ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم	وز هر چه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم

✓ پاسخ: گزینه ۱؛ پیام‌های زیادی در متن صورت سؤال در کنار هم آمده است. سه مورد از آنها نظر طراح را جلب کرده است و طراح نیز برای هر یک از پیام‌ها بیتی متناسب یافته و در گزینه‌ها قرار داده است. بیت گزینه «۱» با داشتن صفات خدا (فراگیر بودن آفرینش خدا) زمینه فریب داوطلب را فراهم آورده است در حالی که با هیچ یک از مفاهیم متن ارتباطی ندارد. نقشه محتوایی سؤال به شکل زیر است.

«ای کریمی که بخشنده عطایی و ای حکیمی که پوشنده خطایی و ای صمدی که از ادراک خلق جدایی و ای قادری که خدایی را سزایی،

جان ما را صفای خود ده و ما را آن ده که آن به و مگذار ما را به که و مه.»

«خطابخشی خدا	خداوند	بخشنده	دستگیر	کریم	خطابخش	پوزش‌پذیر
«قابل درک نبودن خدا	ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم	وز هر چه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم				
«سزاواری خدا برای خدایی	به خدایی سزا مر او را دان	شب و شبگیر رو مر او را خوان				

چند نگاه دیگر:

علاوه بر نگاه‌هایی که مطرح شد، گاهی نگاه طراح به جای مفهوم، به توصیف، تصویرسازی، واژگان نمادین یا اصطلاحی است. اینک نمونه‌هایی از این نگاه‌ها:

۱) نگاه به توصیف و تصویر: توجه طراح به تصویری‌سازی‌های شاعر «قربان‌های تصویری» ایجاد می‌کند. مانند تصویرسازی از سیاهی وسط لاله یا گلبرگ‌های سرخ آن، رنگ و بوی مشک، باد صبا به صورت‌های گوناگون (پیام‌رسانی بین عاشق و معشوق، عاشقی و آوارگی، دروغ‌گویی و...) توصیفات حماسی (صحنه‌های جنگ، آمادگی برای تیراندازی، سرعت پرتاب تیر و...) که از نمونه‌های پرکاربرد قربان تصویری است.

((زبان ۹۶))

نمونه: ویژگی باد صبا در همه ابیات یکسان است به جز

۱) تو را صبا و مرا آب دیده شد غماز	و گرنه عاشق و معشوق رازدارانند
۲) ز من چو باد صبا بوی خود دریغ مدار	چرا که بی سر زلف توام به سر نرود
۳) ای جان حدیث ما بر دلدار بازگو	لیکن چنان مگو که صبا را خبر شود
۴) کس نیارد بر او دم زند از قصه ما	مگرش باد صبا گوش‌گذاری بکند

✓ پاسخ: گزینه ۲؛ در ابیات گزینه‌های «۱، ۳ و ۴» بر خلاف انتظار، باد صبا را به صورت سخن‌چینی می‌بینیم که شاعر از او ناخرسند است. در بیت گزینه «۲» باد صبا شخصیت بخشنده‌ای دارد که بوی خود را از شاعر دریغ نمی‌کند و شاعر معشوق را ترغیب می‌کند تا مانند باد صبا بخشنده باشد و عاشق را از عنایت خود محروم نکند.

۲) نگاه به بار معنایی واژه و اصطلاح: گاهی طراح به بار معنایی واژه یا اصطلاحی توجه می‌کند و نوع مضمون آفرینی شاعر از آن واژه را محور سؤال قرار می‌دهد. مانند واژگان «غم»، «کرامت»، «همت» و ...

((زبان ۸۸))

نمونه: مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

۱) به هر غمی که رسد از تو خاطرم شاد است	که بنده تو ز بند کدورت آزاد است
۲) غم مخور ز آن که به یک حال نمانده‌ست جهان	شادی آید ز پی غصه و خیر از پی شر
۳) به شادی دو جهانش نمی‌توان دادن	غمی که از تو نصیب دل غمین من است
۴) غم تو را به نشاط جهان نخواهم داد	من این خریده خود را به هیچ نفروشم

✓ پاسخ: گزینه ۲؛ مفهوم واژه «غم» در ابیات گزینه‌ها به دو صورت دیده می‌شود. در گزینه‌های «۱، ۳ و ۴» «غم» مفهوم مثبتی دارد و معادل «عشق» است ولی در بیت گزینه «۲» معادل «غصه» است و مفهوم منفی دارد. همین تفاوت معنایی موجب تفاوت در مفهوم ابیات شده است.

الگوهای رایج سوالات قرابت معنایی در کنکور

۱ ارتباط یک با یک

(تجزیه ۹۸)

نمونه: مفهوم کلی رباعی زیر، با کدام بیت قرابت دارد؟

«رازی که خطرکنندگان می‌دانند
با بال شکسته پرگشودن هنر است
(۱) گر خون تو ریخت خصم بد گوهر تو
(۲) اگر جنازه سعدی به کوی دوست درآرند
(۳) ای دل به راه دوست اگر سر نهاده‌ای
(۴) سر به پیش انداختن در زندگانی خوش‌نماست

پاسخ: گزینه (۴)

در بازی خون برندگان می‌دانند
این را همه پرنندگان می‌دانند
شد خون تو سرخ‌رویی محشر تو
زهی حیات نکونام و مردنی به شهادت
از جا مرو که شرط طلب استقامت است
زیر شمشیر شهادت گردن‌افرازی خوش است

۲ ارتباط یک با سه

(ریاضی ۹۸)

نمونه: متن زیر با همه ابیات قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

«عامل شهری به خلیفه نبشت که دیوار شهر، خراب شده است، آن را عمارت باید کردن. جواب نبشت که شهر را از عدل، دیوار کن؛ که حاجت نیست به گل و خشت و سنگ و گچ.»

(۱) چو خشنود داری جهان را به داد
(۲) همه داد کن تو به گیتی درون
(۳) به داد و دهش کوش و نیکی سگال
(۴) اگر دادگر چند بی‌کس بود

پاسخ: گزینه (۴)

توانگر بمانی و از داد شاد
که از داد هرگز نشد کس نگون
ولی را پیروز عدو را بمال
ورا راستی پاسبان بس بود

۳ مفهوم متفاوت (مقایسه‌ای)

(ریاضی ۹۵)

نمونه: مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

(۱) قاصد ز برم رفت که آرد خبر از یار
(۲) آن که شد هم بی‌خبر هم بی‌اثر
(۳) خبر از درد ندارند طبیبان زنهار
(۴) قاصد که تو را دید ندارد خبر از خود

پاسخ: گزینه (۳)

باز آمد و اکنون خبر از خویش ندارد
از میان جمله او دارد خبر
چاره زان جوی که کرده‌ست چنین بیمارت
دیگر به من زار که آرد خبر تو؟

۴ ارتباط زوج بیت

(تجزیه ۹۲)

نمونه: مفهوم ابیات دوگانه، در کدام گزینه یکسان نمی‌باشد؟

(۱) از تو نپرسند درازی شب
محرم این هوش جز بی‌هوش نیست
(۲) حلقه دام گرفتاری دهان وا کردن است
زبان درکش ای مرد بسیاردان
(۳) شد جنگ و نظر آمد، شد زهر و شکر آمد
هنر خوار شد جادویی ارجمند
(۴) گر کشد مهر رخت بر دل من تیغ، رواست
جام از دست دوست بود، زهر و می یکی‌ست

پاسخ: گزینه (۳)

آن کس داند که نخفته است دوش
مر زبان را مشتری جز گوش نیست
ماهی لبسته را قلاب نتواند گرفت
که فردا قلم نیست بر بی‌زبان
شد سنگ و گهر آمد، شد قفل و کلید آمد
نهان راستی آشکارا گزند
هر بدی کز طرف دوست رسد، جمله، نکوست
آن جا که وصل اوست، چه محراب و چه کنشت

۵ ارتباط گروه ابیات

(ریاضی ۹۷)

- نمونه ۱: مفهوم کدام ابیات با یکدیگر تناسب دارد؟
- الف) گفتم که با تو صورت حالی بیان کنم
 ب) سخن دراز کشیدیم و همچنان باقی ست
 ج) عشق خواهد کاین سخن بیرون بود
 د) سخن عشق نه آن است که آید به زبان
- ۱) الف، ج ۲) الف، د ۳) ب، ج ۴) ب، د

پاسخ: گزینه (۲)

(انسانی ۹۸)

- نمونه ۲: مفاهیم «اغتنام فرصت، تلاش، توصیه به خویشتن‌داری، مذمت نفس‌پرستی» در کدام ابیات، به ترتیب، وجود دارد؟
- الف) اگر بر خرد چیره گردد هوا
 ب) که اندر جهان سود بی‌رنج نیست
 ج) هنر با خرد در دل مرد تند
 د) چو کاهل شود مرد هنگام کار
- ۱) د، ب، ج، الف ۲) ب، ج، د، الف ۳) الف، ب، ج، د ۴) د، الف، ج، ب

پاسخ: گزینه (۱)

۶ کلیدواژه‌ای

نمونه ۱: آندره ژید در عبارت «برای من خواندن این که شن ساحل‌ها نرم است، کافی نیست؛ معرفتی که قبل از آن احساسی نباشد، بیهوده است.» بر کدام گزینه تأکید دارد؟

(هزار ۸۲)

- ۱) عاطفه ۲) آزمایش ۳) دانش ۴) عقیده

پاسخ: گزینه (۲)

نمونه ۲: مفاهیم «ترک تعلقات و تعین، به مقام ارشاد رسیدن، به ثمر نشستن، نکوهش تقلید و تمنای محبت» از کدام ابیات به ترتیب دریافت می‌شود؟ (انسانی ۹۷)

- الف) صد جوی آب بسته‌ام از دیده بر کنار
 ب) در خرقة زن آتش که خم ابروی ساقی
 ج) گر سخن از خود نداری، به که بریندی دهان
 د) دانه، سرآرد غصه را رنگین برآرد قضا را
 ه) من که ره بردم به گنج حسن بی‌پایان دوست
- ۱) ب، ج، د، الف، ه ۲) ب، د، ه، الف، ج ۳) ب، ه، د، ج، الف ۴) ج، ه، د، الف، ب

پاسخ: گزینه (۳)

۷ مفهوم مقابل (متضاد)، (سطح سوالات: متوسط - سخت)

(شاعر ۹۵)

- نمونه: بیت زیر با کدام بیت تقابل مفهومی دارد؟
- «اگر یک روز با دلبر خوری نوش
 ۱) ثناها کرد بر روی چو ماهش
 ۲) خوشا چشمی که دارد انتظار دیدن رویی
 ۳) هرکاو عمل نکرد و عنایت امید داشت
 ۴) امید وصل به اندوه انتظار نیرزد

پاسخ: گزینه (۴)

فارسی دوازدهم

فارسی ۱۲ درس ۱ ستایش (ملکا، ذکر تو گویم)، شکر نعمت، گمان

موضوع: ستایش خداوند - شکرگزاری

محتوا: یگانگی، قدرت، قابل توصیف نبودن و آمرزشگری خداوند؛ همراه با طلب آمرزش از درگاه او، دعوت به شکرگزاری و طاعت، بیان نعمت، زیبایی آفرینش، ستایش پیامبر (ص)، غفران و آمرزش حق

چند کلید واژه:

- **حرکت انسان از خدا:** در معارف دینی و بینش عرفانی، حیات و حرکت انسان نتیجه فضل و بخشش خداست و بدون عنایت و توفیق خداوند هیچ حرکت و پویه‌ای از انسان ظاهر نمی‌شود. در بینش عرفانی، عارف و عاشق مانند پرده‌ای است که فضل و عنایت معشوق مانند بادی به آن می‌وزد و در او حرکت ایجاد می‌کند.
- **خداوند، آشکارکننده برتری‌ها:** واژه «فضل» معانی گوناگونی دارد که «برتری» یکی از آن معانی است. در نگرش عرفانی، تنها خداست که برتری‌ها را آشکار می‌کند و نشان می‌دهد، چه کسی بر چه کسی برتری دارد. این مفهوم را از آیه «تَعَزَّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذَلُّ مَنْ تَشَاءُ» می‌توان دریافت.
- **توصیف ناپذیری:** در ادبیات دینی و عرفانی، خدا و آنچه به معنویت مربوط می‌شود؛ مانند «عشق، حقیقت، اسرار آفرینش و ...» فراتر از آن هستند که قابل توصیف باشند، چون تنها چیزهایی را می‌توان توصیف کرد که دارای ابعاد قابل تصور باشند.
- **محدودیت درک بشری:** درک بشر تنها می‌تواند محسوسات و معقولات را دریابد؛ و در برابر مسائل ماورایی و معنوی محدود است.

ستایش (ملکا ذکر تو گویم)

ملکا، ذکر تو گویم که تو پاک‌ی و خدایی	« مالک بودن و پاکی خدا »
خدایی که بر بندگان پادشاست	
ستایش نمودش ز یزدان پاک	
به طریقی روم که خواندم	« تسلیم بودن بنده »
تسلیم تو گشتیم سراپا که نگویند	
خداوند نام و خداوند جای	« هدایتگری خدا »
همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم	
چون که بر درگاه او پرورده‌ام	« بندگی مطلق در برابر خدا »
ما چو ناییم و نوا در ما ز توست	« حرکت انسان، از خدا است »
توحیدگوی او نه بنی‌آدمند و بس	
خدایا بزرگی سزاوار توست	« ستایش خدا و شایستگی خدا برای توحیدگویی »
تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی	
خداوند دانایی و فرهی	« حکمت، عظمت و بخشندگی خدا »
خداوند روزی ده مهربان	
خداوند پیروزی و برتری	« خدا، آشکارکننده برتری‌ها »
من ثناگوی و تو زیبای ثنایی و به فخر	« شایستگی خدا برای ستایش »
نروم جز به همان ره که توأم راه نمایی	
خدایی که روزی ده رهنماست	
خداوند کیوان و خورشید و خاک	
لاجرم آب خفته خواندم	
در پیش محبتان سر تسلیم نداریم	
خداوند روزی ده رهنمایی	
همه توحید تو گویم که به توحید سزایی	
رو به درگاه دگر ناورده‌ام	
ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست	
هر بلبل‌ی که زمزمه بر شاخسار کرد	
نیایش سزاوار دربار توست	
تو نماینده فضل تو سزاوار ثنایی	
خداوند دیهیم و شاهنشهی	
که کودک به نامش گشاید زبان	
خداوند افزونی و کمتری	
هر زمان سر بفرازم به میان امثال	

نتوان شبیه تو گفتن که تو در وهم نیایی

بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز
قدیم بی‌ولد قیوم بی‌خویش

وز هر چه گفته‌اند و شنیدیم
نه با چون و چرایش عقل را کار

همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی

گر تو ندانی ببین به نامه و اخبار
توتیای چشم باشد خاک، طوفان‌برده را

در آن خانه که مهمانش تو باشی

همه بیشی تو بگاهی، همه کتبی تو فزایی

منم آن عالم اسرار که هر غیب بدانم
به خداوندی خود پرده بپوش ای ستار

خداوند نیک و بد و فرّ و جاه

مگر از آتش دوزخ بُودش روی رهایی

مرا تا جان بود، توحید گویم
همه پندگانییم و ایزد یکی است

به چیزی دگر نیستم دسترس

نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی

گر کسی وصف او ز من پرسد
مبّرّ از شریک و مثل و مانند

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم
نه در ایوان قربش وهم را بار

همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی

فرّ و شکوه و جلال و حشمت او را
باعث آرامش دل گشت «صائب» خطّ یار

همه شادی و عشرت باشد ای دوست

همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو ببوشی

غیب من دانم و پس غیب نداند به جز از من
فعل‌هایی که ز ما دیدی و نپسندیدی

خداوند بهرام و کیوان و ماه

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید

تو را کل، زان همی گویم، ز توحید
خداوند هست و خداوند نیست

امیدم به بخشایش توست، بس

«قابل توصیف و تشبیه نبودن خدا»

«محدودیت درک انسان»

«عزت و شکوه‌مندی خدا»

«اطمینان‌بخش بودن خدا»

«نشاط‌بخشی خدا»

«غیب‌دان بودن خدا»

«عیب‌پوشی خدا»

«حاکمیت خدا بر عزّت و ذلّت»

«ستایش یگانگی خدا»

«امید به آمرزش و نجات»

شکر نعمت

مَنْتَ خدای را، عَزَّ وَ جَلَّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

که داد جان مرا سوی راه خویش جواز

در تقرّب از فنا گیر انتفاع (سود)

بادی همه ساله در تنقم

سپاس و مَنّت جاوید، حق تعالی را

از عبادت قرب حق تحصیل کن

تا شکر مزید نعمت آرد

«مَنّت و سپاس مخصوص خدا»

«عبادت موجب نزدیکی به خدا»

«نعمت‌افزایی شکر»

هر نفسی که فرو می‌رود، ممدّ حیات است و چون بر می‌آید، مفزَح ذات.

تا دمی زنده شوم زان نفس جان‌پرور

آمیخت به عیش ابدی جوهر جان را

مردۀ هجر توام بر دهنم نه لب وصل

عطّار صبا از پی ترکیب مفزَح^۱

«حیات‌بخشی»

«نشاط‌بخشی»

پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد؟

هست بر نعمت خدای، سپاس

فضل خدای را که تواند شمار کرد

قبله همّت خدای شناس

«بی‌شمار بودن نعمت خدا»

«واجب بودن شکر نعمت»

کز عهده شکرش به‌درآید؟

صد بار اگرچه بیش درآید بدین صد

از دست و زبان که بر آید

هرگز یکی ز صد نتواند سپاس تو

«عجز انسان از شکرگزاری»

«إِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشُّكُور.»

نیز می‌کن شکر و ذکر خواجه هم

در بین بندگان عدد شاكران کم است

شکر می‌کن مر خدا را در نعم

هر چند نعمتت ز عددها فراتر است

«دعوت به شکرگزاری»

«کم بودن شاكران»

عذر به درگاه خدای آورد

که ندارم به خدمت استظهار (پشت‌گرمی)

بنده همان به که ز تقصیر خویش

عذر تقصیر خدمت آوردم

«عذر کوتاهی در شکرگزاری»

کس نتواند که به‌جای آورد

شکر نعمت ز صدهزار یکی

ورنه، سزاوار خداوندی‌اش

نتوانیم و نیست هیچ شکی

«عجز انسان از شکرگزاری»

۱. ترکیب مقوی که از سنگ‌های قیمتی تهیه می‌شد و برای ایجاد شادمانی مصرف می‌شد.

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریشی همه جا کشیده.	« فراگیر بودن رحمت خدا	هر چه اندر وجود موجود است	غرق بحر محیط رحمت اوست
پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.	« نامحدود بودن نعمت خدا	نعمت بارخدایا ز عدد بیرون است	شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار
همه غیبی تو بدانی همه عیبی تو ببوشی	« عیبپوشی خدا	هیچ ندیدم خدای را که گذارد	همه بیشی تو بکاهی همه کمی تو فزایی
فراش باد صبا را گفته تا فرش زقردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.	« عام بودن روزی خدا	تربیتش سنگ را به مایه کند در	عبد ضعیف گناهکار، گرسنه
فرش طرب بگستر چون باد نوبهاری	« فراش طبیعت از خدا	تربیتش سنگ را به مایه کند در	تقویتش مور را به پایه کند جم
درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق دربرگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.	« صفت پروردگاری خدا	وز همت او سایه بر افتد به درختان	گیرند درختان صفت گنبد خضرا (آسمان سبز)
عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته.	« آراستگی طبیعت از خدا	توانایی که در یک طرفه العین (چشم به هم زدن)	ز کاف و نون پدید آورد کونین
به ذره تربیتش کار آفتاب آموخت	« صفت پروردگاری خدا	به ذره تربیتش کار آفتاب آموخت	به مور تقویتش قدرت سلیمان داد
ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند	« پدیده‌های هستی در خدمت انسان	خورشید را برای تو باشد همه طلوع	تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
چند غفلت صید ایمانم کند	« دوری از غفلت	چند غفلت صید ایمانم کند	کافری کو تا مسلمانم کند؟
همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار	« فرمانبرداری پدیده‌ها به خاطر انسان	همه بهر تو و تو بهر خدای	یک دم از رقصه (خواب) غفلت به درآی
دعوت به فرمانبرداری انسان از خدا	« دعوت به فرمانبرداری انسان از خدا	گر تو فرمان حق بری، فرمان	بدهی بر زمانه چون شاهان
در خیر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمه دور زمان محمد مصطفی - صلی الله علیه و آله و سلم -	« والایی شخصیت پیامبر (ص)	ماه نتابد به جز جمال محمد	سرو نباشد به اعتدال محمد
شَفِیعُ مُطَاعٌ نَبِیُّ کَرِیم (او پیام‌آوری شفاعت‌کننده، فرمانروا و بخشنده است.)	« شفاعتگری	ای از تو به وعده شفاعت	خرم شده مفسدان طاعت
چون نیست بضاعتی ز طاعت	« فرمانروایی	شاه فرمانروا تویی ای جان	دیگران راست نام شه به غلط
شاهی بزرگوار و ستوده است و همچو اوست	« بزرگواری	شاهی بزرگوار و ستوده است و همچو اوست	کردار او ستوده و رسمش بزرگوار
قَسِیمٌ جَسِیمٌ نَسِیمٌ وَ سِیم (او صاحب جمال، خوش اندام، خوش بو و دارای نشان پیامبری است.)	« زیبایی حضرت پیامبر (ص)	اگرچه حسن فروشان به جلوه آمده‌اند	کسی به حسن و ملاحه به یار ما نرسد
نافه همه بوی خوش از بوی تو می‌دزدد	« خوش‌بویی	نافه همه بوی خوش از بوی تو می‌دزدد	غمازی آن دزدی از مشک ختن بشنو
ور خود ز نقش مهر نبوت سخن رود	« نشاندار بودن	ور خود ز نقش مهر نبوت سخن رود	آن نیز نامور ز نشان محمد است
بَلَّغَ الْغُلَى بِجَمَالِهِ، کَشَفَ الدُّجَى بِجَمَالِهِ (به واسطه کمال خود به مرتبه بلند رسید و با جمال نورانی خود تاریکی‌ها را برطرف کرد.)	« کمال و بزرگی	قدر فلک را کمال و منزلتی نیست	در نظر قدر با کمال محمد
نقابی نیست رویت را به جز نور رخت دائم	« نورانیت	نقابی نیست رویت را به جز نور رخت دائم	نقابی گر بود نور رخت را نور می‌باشد
حَسَنَتْ جَمِیعُ خِصَالِهِ، صَلَّوْا عَلَیْهِ وَ آلِهِ (همه خوی‌ها و صفات او زیباست؛ بر او و خاندانش درود بفرستید.)	« خوش‌خلقی	حسن مه‌رویان مجلس گرچه دل می‌برد و دین	بحث ما در لطف طبع و خوبی اخلاق بود
هر دم از ما صد درود و صد سلام	« درود و سلام	هر دم از ما صد درود و صد سلام	بر رسول و آل و اصحابش مدام

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟
 هزار دشمنم آر می‌کنند قصد هلاک
 حمایت و پشتیبانی

هر گه یکی از بندگان گناهکار پریشان‌روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق - جلّ و علا - بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند. باز بخواند، باز اعراض کند. بار دیگرش به تضرّع و زاری بخواند.

طلب آمرزش از خدا
 بی‌اعتنایی
 ناله و زاری برای آمرزش

بی‌تا برآیم دستی ز دل که نتوان برآورد فردا ز گل
 دی در گذار بود و نظر سوی ما نکرد
 دست چنین پیش که دارد که ما

حق - سبحانه و تعالی - فرماید: **يَا مَلَايِكَتِي قَدْ اسْتَخِيْتُ مِنْ عَبْدِي وَلَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ. دَعْوَتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده‌ام همی شرم دارم.**

« شرم خدا از ناله بنده گناهکار
 کرم و لطف خدا را نتوان کرد قیاس
 چندان دعاکن در نهان چندان بنال اندر شبان
 نخل آمیدت به بار آه سحر می‌آورد

« اجابت دعا
 برآوردن امید
 کرم بین و لطف خداوندگار
 گر جرم و خطا عفو کنی آن کرم توسست
 از لطف دوست تا کی در غفلتی تو ای دل

« عکافان کعبه جلالتش به تقصیر عبادت معترف که: **ما عَبْدُكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ و اصفان جلیه جمالش به تحیر منسوب که: ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ.**
 عجز انسان در عبادت
 عجز انسان از شناخت خدا

« عجز عاشق از وصف معشوق
 بی‌نشان بودن معشوق ازلی
 گر کسی وصف او ز من پرسد
 چون توانم کرد وصف روی او
 با هیچ کس نشانی زان دلستان ندیدم

« عاشقان کشتگان معشوق‌اند
 فنا در حق
 جمله معشوق است و عاشق پرده‌ای
 هر که را اسرار عشق آموختند
 سکوت عاشق حقیقی

« یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده: آن‌گه که از این معاملت باز آمد، یکی از دوستان گفت: از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟

« حال تفکر و مراقبه
 کشف حقایق عرفانی
 نه فراموشی‌ام از ذکر تو خاموش نشاند
 روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد
 ز اندازه بیرون تشنه‌ام ساقی بیار آن آب را

« گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم دامن‌ی پرکنم هدیه اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.
 به یاد دوستان بودن
 مستی دیدار جمال حق
 بی‌اختیاری عاشق

« ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز
 بی‌ای عاشق شمع دل‌افروز
 رمز سوز آموز از پروانه‌ای
 هر که شد هم‌بی‌خبر هم‌بی‌اثر

این مدعیان در طلبش بی‌خبراند / کان را که خبر شد، خبری باز نیامد
 بی‌خبری مدعیان از معرفت واقعی / تا بی‌خبر بمیرد در رنج خودپرستی
 فنا و سکوت عارف واقعی / تا نگردي بی‌خبر از جسم و جان / کی خبر یابی ز جانان یک زمان
 هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی برکشد / ون که دید از حیرتش کُلک از بنان افکنده‌ای
 عجز انسان از توصیف خدا / چون توانم نقش آن زیبا کشید / چشم من حیران شد و او را ندید
 حیرت و سکوت / ز هوش برد چنان حیرت تو گلشن را / که سبز کرد خموشی زبان سوسن را

کلم حکمت: گمان

گویند که بطنی در آب روشنایی می‌دید. پنداشت که ماهی است. قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت. چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فرو گذاشت. دیگر روز هر گاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نیبوستی، و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.
 گمان نادرست / چو دیدی روی خود در آب روشن / گمان بردی سگی دیگر معین
 نتیجه قیاس ناروا / نخوردی آب از بیم دگر سگ / بجستی از لب آن آب بر تگ

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

- ۱ بیت «ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راه نمایی» از کدام گزینه دورتر است؟
 (۱) ای ذکر ذوق‌بخش تو زیب زبان ما / بی ذکر تو مباد زبان در دهان ما
 (۲) گر برانند و گر ببخشایند / ره به جای دگر نمی‌دانیم
 (۳) خدایی که بر پندگان پادشاست / خدایی که روزی‌ده رهنماست
 (۴) شاهای خدای عزوجل یاور تو باد / توفیق رهنما و خرد رهبر تو باد
- ۲ همه آیات موجود در گزینه‌ها از بیت «ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راه نمایی» برداشت می‌شود به جز
 (۱) مالک يوم الدين (۲) اهدنا الصراط المستقیم (۳) الحمد لله رب العالمین (۴) ایتاک نستعین
- ۳ مفهوم بیت «همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم / همه توحید تو گویم که به توحید سزایی» از کدام گزینه دورتر است؟
 (۱) سر ارادت ما و آستان حضرت دوست / که هر چه بر سر ما می‌رود ارادت اوست
 (۲) ما چو ناییم و نوا در ما ز دوست / ما چو کوهیم و صدا در ما ز دوست
 (۳) ای به توحید تو هر ذره گواه / نیست یک ذره به توحید تو راه
 (۴) نهادهام سر خدمت بر آستان ارادت / گرم به لطف بخوانی و گر به قهر برانی
- ۴ مفهوم بیت «همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم / همه توحید تو گویم که به توحید سزایی» از کدام گزینه برداشت نمی‌شود؟
 (۱) بندگی (۲) امید به فضل و بخشش (۳) ستایش یگانگی خدا (۴) شایستگی خدا به یگانگی
- ۵ براساس بیت «تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی / تو نماینده‌ی فضلی تو سزاوار ثنایی» کدام گروه از صفات در مورد خدا کاملاً درست است؟
 (۱) دانایی، بخشایش، بینایی (۲) شکوه، دانایی، شایستگی (۳) ستایشگری، فضیلت، عظمت (۴) مهربانی، بزرگی، پادشاهی
- ۶ با توجه به بیت «تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی / تو نماینده‌ی فضلی تو سزاوار ثنایی» کدام گزینه با مفهوم داخل کمانک قربانیت ندارد؟
 (۱) تو حکیمی (لا إلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) (۲) تو عظیمی (وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ)
 (۳) تو نماینده‌ی فضلی (تَعَزَّيْ مَنْ تَشَاءُ) (۴) تو سزاوار ثنایی (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدُ)
- ۷ بیت «نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی» با همه‌ی گزینه‌ها به جز مضمون مشترکی دارد.
 (۱) بعد از این روی من و آینه‌ی وصف جمال / که در آن جا خبر از جلوه‌ی ذاتم دادند
 (۲) من وصف آن جمال چگونه کنم که هیچ / فیروزمند نیست بر آنم عبارتی
 (۳) نه در ایوان قریش وهم را بار / نه با چون و چرایش عقل را کار
 (۴) به قیاس در ننگی و به وصف در نیایی / متحیرم در اوصاف جمال و روی و زبیت
- ۸ بیت «نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی» با کدام گزینه قربانیت معنایی دارد؟
 (۱) ای باد صبحدم خبر دلستان بگو / وصف جمال آن بت نامهربان بگو
 (۲) به شعر وصف جمال تو خواستم کردن / ولی جلال توام عقده (گره) بر زبان انداخت
 (۳) دوش در وصف جمال تو چو درستم دل / خوبرویان معانی بگشادند نقاب
 (۴) باد صبا در چمن وصف جمال تو کرد / شد به گلستان ز شرم لاله‌ی سیراب آب

۹ مفهوم کدام گزینه از بیت «نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی» برداشت نمی‌شود؟

- (۱) لیس کمثله شیء (۲) لا یدرکة بُعد الهمم (۳) و هو بکل شیء علیم (۴) لا ینالُه غَوْصُ الفِطْنِ

۱۰ مفهوم بیت «نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی» با کدام گزینه یکسان است؟

- (۱) چند از دگران وصف جمال تو شنیدن
(۲) نتواند که کند وصف جمال تو کمال
(۳) ای جلوه‌گر عالم، طاووس جمال تو
(۴) عیب من رمیده‌دل، از صفات پری مکن
- خوش آن که می‌سر شودم روی تو دیدن
زان که هست آینه حسن تو بیرون ز صفات
سرسبزی و شبرنگی، وصف خط و خال تو
ماه نهان خویش را، وصف جمال می‌کنم

۱۱ در همه گزینه‌ها صفتی مشترک با بیت زیر برای خدا آمده است به جز

- «همه عزّی و جلالی همه علمی و یقینی»
(۱) چون که موصوفی به اوصاف جلیل
(۲) در ملک دل عاشق غم‌دیده چه گویم
(۳) با چنین شیوه عاشق‌کشی و دل‌شکنی
(۴) لب وصل، شیرین کند کام دل
- همه نورّی و سروری همه جودّی و جزایی»
ز آتش امراض بگذر چون خلیل
کز روح خیال تو چه شادی، چه سرور است
عجب این است که آرام دل مسکینی
حرام است بر عاشق آرام دل

۱۲ بیت «همه عزّی و جلالی همه علمی و یقینی / همه نورّی و سروری همه جودّی و جزایی» با چند بیت قرابت معنایی دارد؟

- من نکردم خلق تا سودی کنم
ما نبودیم و تقاضامان نبود
گر عتابی کرد دریای کرم
پس گدایان آیت جود حقند
- بلکه تا بر بندگان جودی کنم
لطف تو ناگفته ما می‌شنود
بسته کی گردند درهای کرم؟
وان که با حقند، جود مطلقند
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۳ بیت «همه غیبی تو بدانی همه عیبی تو بپوشی / همه بیشی تو بکاهی همه کمی تو فزایی» با همه گزینه‌ها به جز قرابت معنایی دارد.

- (۱) بر احوال نابوده علمش بصیر
(۲) پس پرده بیند عمل‌های بد
(۳) کلیمی که چرخ فلک طور اوست
(۴) گلستان کند آتشی بر خلیل
- بر اسرار ناگفته لطفش خبیر
هم او پرده پوشد به آلائی (نیکی‌ها) خود
همه نورها پرتو نور اوست
گروهی به آتش برد ز آب نیل

۱۴ مفهوم بیان‌شده در کدام گزینه از بیت زیر برداشت نمی‌شود؟

- «همه غیبی تو بدانی همه عیبی تو بپوشی»
(۱) غیب‌دانی (۲) عیب‌پوشی
(۳) قادر مطلق بودن (۴) حیات‌بخش بودن
- همه بیشی تو بکاهی همه کمی تو فزایی»

۱۵ مفهوم بیت «همه غیبی تو بدانی همه عیبی تو بپوشی / همه بیشی تو بکاهی همه کمی تو فزایی» به کدام گزینه نزدیک است؟

- (۱) جهان متفق بر الهیتش
(۲) بر او علم یک ذره پوشیده نیست
(۳) بشر ماورای جلالش نیافت
(۴) مهیاکن روزی مار و مور
- فرومانده از کُنه (اصل) ماهیتش
که پنهان و پیدا به نزدش یکی‌ست
بصر منتهای جمالش نیافت
و گر چند بی‌دست‌وپایند و زور

۱۶ مفهوم بیت «لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی» از کدام گزینه دورتر است؟

- (۱) یارب به لطف خویش گناهان ما بپوش
(۲) امیدم به بخشایش توست، بس
(۳) چو گلشن بی‌لب و دندان بخندم
(۴) خداوند هست و خداوند نیست
- روزی که رازها فتد از پرده برملا
به چیزی دیگر نیستم دسترس
چو فکرت بی‌لب و دندان بگویم
همه بندگانیم و ایزد یکی‌ست

۱۷ بیت «لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی» با کدام گزینه قرابت معنایی دارد؟

- (۱) ساقی به جام عدل بده باده تاگدا
(۲) گر می‌فروش حاجت رندان روا کند
(۳) حقاً کز این غمان برسد مژده امان
(۴) گر رنج پیش آید و گر راحت، ای حکیم
- غیرت نیآورد که جهان پربلا کند
ایزد گنه ببخشد و دفع بلا کند
گر سالکی به عهد امانت وفا کند
نسبت مکن به غیر که این‌ها خدا کند

عبارت «مَتّ خدای را، عَزّ و جَلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.» با کدام گزینه مضمون مشترکی ندارد؟

- ۱) گر بلا افزون فرستی من بدین نعمت هنوز
- ۲) نعمت آرد غفلت و شکر انتباه (بیداری)
- ۳) تا شکر مزید نعمت آرد
- ۴) خلد با آن ناز و نعمت دام راه من نشد

مفهوم عبارت «مَتّ خدای را، عَزّ و جَلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.» با کدام گزینه مشترک است؟

- ۱) طاعت بی علم نه طاعت بود
- ۲) دلا طاعت گزین مانند مردان
- ۳) غربت من در جهان از بهر توسل
- ۴) ای که رویت به قربت شاه است

مفهوم عبارت «هر نفسی که فرو می رود، ممتّ حیات است و چون برمی آید، مفزّح ذات.» با کدام گزینه قربان معنایی دارد؟

- ۱) به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست
- ۲) غم و شادی بر عارف چه تفاوت دارد
- ۳) به غنیمت شمر ای دوست، دم عیسی صبح
- ۴) پادشاهی و گدایی بر ما یکسان است

در کدام گزینه مضمونی از عبارت «هر نفسی که فرو می رود، ممتّ حیات است و چون بر می آید، مفزّح ذات.» دیده نمی شود؟

- ۱) دوری ست که در صاف می عیش کمی نیست
- ۲) عطّار صبا از پی ترکیب مفزّح
- ۳) از پشت لب سبزه کند ژاله تراوش
- ۴) عام است ز بس خوشدلی عهد و عجب نیست

مفهوم عبارت «پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.» با کدام گزینه قربان معنایی دارد؟

- ۱) بر چراغ ما که از روی تو روشن گشته است
- ۲) هست چون در هر نفس آماده صد نعمت تو را
- ۳) چون قضایی می شود نازل، مزین چین بر جبین
- ۴) جانب بلبل عزیز و خاطر گل نازک است

عبارت «پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.» با کدام گزینه مفهوم مقابل دارد؟

- ۱) خردمند طبعان ممتّ شناس
- ۲) قبله همّت خدای شناس
- ۳) هر که ندارد سپاس نعمت امروز
- ۴) سپاس و شکر بی پایان خدا را

بیت «از دست و زبان که بر آید / کز عهده شکرش به در آید؟» با کدام گزینه قربان معنایی ندارد؟

- ۱) گر بخوری شکر کن و نخوری صبر کن
- ۲) هرگز یکی ز صد نتواند سپاس تو
- ۳) نعمتت بار خدایا ز عدد بیرون است
- ۴) به شکر صد یک از انعام او وفا نکند

مفهوم بیت «از دست و زبان که بر آید / کز عهده شکرش به در آید؟» به کدام گزینه نزدیک است؟

- ۱) آن صانع قدیم که بر فرش کائنات
- ۲) فضل خدای را که تواند شمار کرد
- ۳) چندین هزار منظر زیبا بیافرید
- ۴) توحیدگوی او نه بنی آدمند و بس

مفهوم آیه شریفه «إِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشُّكُورُ» از کدام گزینه برداشت می شود؟

- ۱) شکر نعمت هر آن که نگذارد
- ۲) هر چند نعمت ز عددها فراتر است
- ۳) پشت بر نعمت خدا نکنم
- ۴) سپاس و شکر خدا را که بندها بگشاد

مفهوم آیه شریفه «إِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ» از کدام گزینه دورتر است؟

- ۱) هم به تن شکر استطاعت کن
- ۲) ایزد جزای بنده به عقبی دهد همی
- ۳) شکر می‌کن مر خدا را در نعم
- ۴) شکر او شکر خدا باشد یقین

مفهوم بیت «بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد» از کدام گزینه برداشت می‌شود؟

- ۱) هم مگر لطف تو باشد عذرخواه بندگان
- ۲) چون تواند سبزه زیر سنگ قامت راست کرد
- ۳) اگر چشمش به کشتن کرد تقصیر
- ۴) عذر من بپذیر اگرچه هستم از تقصیر خویش

کدام گزینه مفهوم متفاوتی دارد؟

- ۱) از پای تا به سر همه تقصیر خدمتی
- ۲) در خامشی گریز ز تقصیرهای خویش
- ۳) از این نوع طاعت نیاید به کار
- ۴) چه برخیزد از دست تدبیر ما

مفهوم بیت «ورنه، سزاوار خداوندی‌اش / کس نتواند که به جای آورد» به کدام گزینه نزدیک است؟

- ۱) ای درخور تو شاهی و تو درخور شاهی
- ۲) حق که سلطان جهاندار آمده‌ست
- ۳) به شکر نعمت وصلت زبان جان باید
- ۴) خدایا بزرگی سزاوار توست

مفهوم عبارت «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.» از کدام گزینه دور است؟

- ۱) نیست نعمت را در این دریای بی‌پایان حساب
- ۲) هر چه اندر وجود موجود است
- ۳) سیلاب رحمت او سیراب کرد ما را
- ۴) صائب از گرد خجالت شده در خاک نهان

مفهوم عبارت «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.» در کدام گزینه درست و کامل آمده است؟

- ۱) باران از رحمت‌های بی حساب خداست.
- ۲) خدا از نعمت دادن افسوس نمی‌خورد.
- ۳) رحمت و نعمت خدا بی‌کران است.
- ۴) همه از رحمت خدا برخوردارند.

مفهوم عبارت «پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفۀ روزی به خطای منکر نبرد.» با کدام گزینه ارتباط ندارد؟

- ۱) هیچ ندیدم خدای را که گذارد
- ۲) گر مئت وظیفه گرانی چنین کند
- ۳) ای کریمی که از خزانۀ غیب
- ۴) خدای کریمی که هرگز نبرد

مفهوم عبارت «پردۀ ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفۀ روزی به خطای منکر نبرد.» با همه گزینه‌ها به جز گزینه ارتباط دارد.

- ۱) همه غیبی تو بدانی همه عیبی تو بپوشی
- ۲) به نام خطاپوش آمرزگار
- ۳) بدی کردم، ندانستم گنه‌کار
- ۴) بنگر به سوی نور مساوات که ستار

عبارت «فَراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایۀ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.» با همه گزینه‌ها به جز مضمون مشترکی دارد.

- ۱) فَرَّاش خزان ورق بیفشاند
- ۲) فرش طرب بگستر، چون باد نوبهاری
- ۳) ما را سرِ باغ و بوستان نیست
- ۴) تربیتش سنگ را به مایه کند دُر

- نَقَّاش صبا چمن بیاراست
- فَراشِ بوستان گشت نقاشِ گلستان شد
- هرجا که تویی تفرّج آن جاست
- تقویتش مور را به پایه کند جم

توصیف موجود در کدام گزینه در عبارت «درختان را به خلعت نوروزی قباى سبزِ ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده» دیده نمی‌شود؟

- ۱) با خلعت سبز نیک‌بختان
- ۲) از لذت حسن تو درختان به شکوفه
- ۳) وقت آن است که مردم ره صحرا گیرند
- ۴) فکنده‌اند همه کشیده‌اند زمزمه

معنی و مفهوم عبارت «درختان را به خلعت نوروزی قباى سبز ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده» در کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) برگ‌های درختان خلعتی است که به عنوان عیدی از خدا گرفته‌اند.
- ۲) شاخه‌های کوچک از قدم‌های بهار شکوفه‌هایی همانند کلاه بر سر دارند.
- ۳) برگ‌ها و شکوفه‌ها هدایای خدا به درختان و شاخه‌ها هستند.
- ۴) آمدن فصل بهار باعث شده تا خدا کلاهی از شکوفه بر سر شاخه‌های کوچک بنهد.

عبارت «عصارة تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته» با کدام گزینه قرابت معنایی ندارد؟

- ۱) از چوب خشک میوه و در نی شکر نهاد
- ۲) این آب داد بیخ درختان تشنه را
- ۳) سر چیست تا به طاعت او بر زمین نهند
- ۴) اجزای خاک مرده به تأثیر آفتاب

کدام گزینه با مفهوم عبارت «عصارة تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته» هم‌سویی دارد؟

- ۱) آسمان را در زبردستی بداشت
- ۲) دام تن را مختلف‌احوال کرد
- ۳) بحر را از تشنگی لب‌خشک کرد
- ۴) کوه را هم تیغ داد و هم کمر

مفهوم بیت «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری» به کدام گزینه نزدیک‌تر است؟

- ۱) غافلی هم حکمت و هم نعمت است
- ۲) خورشید را برای تو باشد همه طلوع
- ۳) چند غفلت صید ایمانم کند
- ۴) ای شرر از هم‌رهان غافل مباش

مفهوم بیت «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری» در کدام گزینه نادرست است؟

- ۱) عناصر هستی در خدمت انسان است تا روزی کسب کند.
- ۲) انسان نباید با غفلت و بی‌خبری برخورد کند.
- ۳) انسان نباید با غفلت و بی‌خبری روزی بخورد.
- ۴) عناصر هستی در کار هستند تا انسان با آگاهی روزی بخورد.

مفهوم بیت «همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری» با کدام گزینه قرابت معنایی ندارد؟

- ۱) همه بهر تو و تو بهر خدای
- ۲) ای خواجه عالم همه عالم به فدایت
- ۳) هم‌عنانم با صبا سرگشته‌ام، سرگشته‌ام
- ۴) ایزد امروز همه کار برای تو کند

کدام گزینه با بیت «همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری» هم‌سویی مفهومی دارد؟

- ۱) چشم صورت‌بین ببند و دیده معنی گشا
- ۲) گر گدای عشق باشی پادشاه عالمی
- ۳) حال ما پیدا شود بر ساکنان صومعه
- ۴) همدم جامیم و ساقی را حریف سرخوشیم

توصیف مربوط به حضرت پیامبر (ص) در عبارت زیر از کدام گزینه دورتر است؟

«در خبر است از سرور کائنات، مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمه دور زمان محمد مصطفی (ص)»

- ۱) ماه فرو ماند از جمال محمد
- ۲) قدر فلک را کمال و منزلتی نیست
- ۳) وان همه پیرایه بسته جنت فردوس
- ۴) همچو زمین خواهد آسمان که بیفتد

- ۱) سرو نباشد به اعتدال محمد
- ۲) در نظر قدر با کمال محمد
- ۳) بو که قبولش کند بلال محمد
- ۴) تا بدهد بوسه بر نعال محمد

۴۵ در کدام بیت توصیف مشترکی با عبارت زیر، مربوط به حضرت پیامبر (ص)، دیده می‌شود؟

«در خبر است از سرور کائنات، مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت آدمیان و تتمه دور زمان محمد مصطفی (ص)»

- ۱) از مه او مه شکافت دیدن او برنافت
- ۲) بخت جوان یار ما دادن جان کار ما
- ۳) در دل ما در نگر هر دم شوق القمر
- ۴) ملک جهان چیست که تا او به جهان فخر کند

۴۶ مضامین موجود در مصراع «شَفِیْعُ مَطَاعٌ نَبِیُّ کَرِیم» (او پیام‌آوری شفاعت‌کننده، فرمانروا و بخشنده است) در کدام گزینه مشهود نیست؟

- ۱) چون نیست بضاعتی ز طاعت
- ۲) ای از تو به وعده شفاعت
- ۳) شاه فرمانروا تویی ای جان
- ۴) شکر به وقت شکر خوردنت نصیبی یافت

۴۷ کدام گزینه با مصراع «شَفِیْعُ مَطَاعٌ نَبِیُّ کَرِیم» به صفت مشترکی در مورد حضرت پیامبر (ص) اشاره دارد؟

- ۱) هر کس که سخن گفت همه فخر بدو کرد
- ۲) چون خوشه گندم چه دهم عرض تبسم
- ۳) کی بر این کلیه طوفان زده سر خواهی زد
- ۴) باده پیش آور که هر دم باده عنبربوی صبح

۴۸ در کدام بیت صفتی از صفات‌های پیامبر (ص) که در مصراع «قَسِیمٌ جَسِیمٌ نَسِیمٌ وَ سِیمٌ» (او صاحب جمال و خوش اندام، خوش‌بو و دارای نشان

پیامبری است)، آمده است، دیده نمی‌شود؟

- ۱) ای تو را جلوه خوش و قامت رعنا موزون
- ۲) رنگ یاقوت آبدارت خوش
- ۳) ز خوان او همه روزی خورند پنداری
- ۴) مه که نگین‌دان زبرجد شده‌ست

۴۹ مصراع «قَسِیمٌ جَسِیمٌ نَسِیمٌ وَ سِیمٌ» با کدام بیت مضمونی مشترک دارد؟

- ۱) به حسن خلق و وفا کس به یار ما نرسد
- ۲) اگر چه حسن‌فروشان به جلوه آمده‌اند
- ۳) به حق صحبت دیرین که هیچ محرم راز
- ۴) هزار نقد به بازار کائنات آرند

۵۰ همه گزینه‌ها با توصیفات مصراع «قَسِیمٌ جَسِیمٌ نَسِیمٌ وَ سِیمٌ» ارتباط دارند به جز

- ۱) ای همه شکل تو مطبوع و همه جای تو خوش
- ۲) همچو گلبرگ طری (تازه) هست وجود تو لطیف
- ۳) هم گلستان خیالم ز تو پرنقش و نگار
- ۴) در ره عشق که از سیل بلا نیست گذار

۵۱ توصیف صفات حضرت پیامبر (ص) در عبارت «بَلَّغَ الْغُلَى بِكَمَالِهِ، كَشَفَ الدُّجَى بِجَمَالِهِ» (به واسطه کمال خود به مرتبه بلند رسید و با جمال

نورانی خود تاریکی‌ها را بر طرف کرد) از کدام گزینه برداشت نمی‌شود؟

- ۱) ای طاق نهم رواق بالا
- ۲) نقابی نیست رویت را به جز نور رخت دائم
- ۳) ای از بر سدره شاهراحت
- ۴) معشوق چون نقاب ز رخ در نمی‌کشد

۵۲ مفهوم عبارت «بَلَّغَ الْغُلَى بِكَمَالِهِ، كَشَفَ الدُّجَى بِجَمَالِهِ» با کدام گزینه هم‌سوئی تصویری دارد؟

- ۱) چو آفتاب می از مشرق پیاله برآید
- ۲) دل از تردد خاطر ز انقلاب برآید
- ۳) روشن‌تر از وجود شود ظلمت عدم
- ۴) چون مه روی تو از نقاب برآید

۵۳ مفهوم عبارت «حَسَنَتْ جَمِيعَ خِصَالِهِ، صَلَّوْا عَلَيْهِ وَ آلِهِ» (همه خوی‌ها و صفات او زیباست؛ بر او و خاندانش درود بفرستید)، با کدام گزینه قرابت دارد؟

- ۱) از دم صبح ازل تا آخر شام ابد
- ۲) حسن مهریابان مجلس گرچه دل می‌برد و دین
- ۳) پیش از این کاین سقف سبز و طاق مینا برکشند
- ۴) سایه معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد

- دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود
- بحث ما در لطف طبع و خوبی اخلاق بود
- منظر چشم مرا ابروی جانان طاق بود
- ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود

۵۴

مفهوم عبارت «حَسَنَتْ جَمِيعَ خَصَالِهِ، صَلَّوْا عَلَيْهِ وَ آله» از کدام گزینه دور است؟

- ۱) خوی خوش عشاق تو ای کان ملاح
- ۲) ای روی تو خوب و خوی تو خوش
- ۳) دلم از روی تو خوش خاطر از موی تو خوش
- ۴) خوی تو خوش است هم، خوشی بخش

۵۵

مفهوم بیت «چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟ / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟» به کدام بیت نزدیک است؟

- ۱) نفس نفس اگر از باد نشنوم بوی
- ۲) هزار دشمنم ار می‌کنند قصد هلاک
- ۳) اگر تو زخم زنی به که دیگری مرهم
- ۴) مرا امید وصال تو زنده می‌دارد

۵۶

مفهوم بیت «چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟ / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟» از کدام گزینه برداشت می‌شود؟

- ۱) گر از این کار زیانم برسد باکی نیست
- ۲) خانه گر غیر آب و خاکی نیست
- ۳) بر زبان گر برود یاد منت باکی نیست
- ۴) دیگری گر برود از نظرم باکی نیست

۵۷

مضامین موجود در عبارت «هر که یکی از بندگان گنهکار پریشان‌روزگار، دست انابت به امید اجابت به درگاه حق - جل و علا - بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند، بازش بخواند، باز اعراض کند، بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند.» در کدام گزینه دیده نمی‌شود؟

- ۱) دست چنین پیش که دارد که ما
- ۲) او را خود التفات نبودی به صید من
- ۳) بیا تا برآیم دستی ز دل
- ۴) غنچه کمر بسته که ما بنده‌ایم

۵۸

عبارت «حق - سبحانه و تعالی - فرماید: یا مَلَايَكْتِي قَدْ اسْتَحْيَيْتِ مِنْ عَبْدِي وَ لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ. دعوتش اجابت کردم و امیدش بر آوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده‌ام همی شرم دارم.» با کدام گزینه مضمون مشترکی ندارد؟

- ۱) یارب چو برآرنده حاجات تویی
- ۲) کجا (که) شرم، بخشایش ایزدست
- ۳) چندان دعا کن در نهان چندان بنال اندر شبان
- ۴) کرم و لطف خدا را نتوان کرد قیاس

۵۹

مفهوم بیت «کرم بین و لطف خداوندگار / گنه بنده کرده است او شرمسار» با کدام گزینه قرابت کمتری دارد؟

- ۱) تو راست لطف و کرم، هم به اول و آخر
- ۲) از لطف دوست تا کی در غفلتی تو ای دل
- ۳) گر جرم و خطا عفو کنی آن کرم دوست
- ۴) و گر بنده چابک نیاید به کار

۶۰

عبارت «عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: «ما عَبْدناكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ» و واصفان جلیه جمالش به تحیر منسوب که «ما عَرَفناكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ» با کدام گزینه قرابت معنایی ندارد؟

- ۱) از هر چه بر صحایف عالم مصور است
- ۲) تو خود چه لعبتی ای شهسوار شیرین‌کار
- ۳) تو را چنان که تویی هر نظر کجا ببند
- ۴) پشه کی داند که این باغ از کی است

۶۱

مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) چون توانم کرد وصف روی او
- ۲) دل‌نشان شد سخنم تا تو قبولش کردی
- ۳) چون توانم نقش آن زیبا کشید
- ۴) گر کسی وصف او ز من پرسد

۶۲ مفهوم بیت «گر کسی وصف او ز من پرسد / بی دل از بی نشان چه گوید باز؟» از کدام گزینه برداشت می شود؟

- ۱) کسی کز خود نشد آگه، چه فیض از ملک اسرارش
- ۲) خبر یوسف گم گشته ما بی خبری است
- ۳) شرح این قصه مگر شمع برآرد به زبان
- ۴) جاننا دلم ربودی، گویی خبر ندارم

۶۳ مفهوم بیت «عاشقان کشتگان معشوق اند / بر نیاید ز کشتگان آواز» از کدام گزینه برداشت نمی شود؟

- ۱) جمله معشوق است و عاشق پرده ای
- ۲) عاشقان جمله کشتگان غمند
- ۳) کشتگان فراق زنده شدند
- ۴) کشته شمیر عشق حال نگوید که چون؟

۶۴ مفهوم بیت «عاشقان کشتگان معشوق اند / بر نیاید ز کشتگان آواز» از کدام گزینه برداشت نمی شود؟

- ۱) هر که را اسرار عشق آموختند
- ۲) گر بر زبان براند جز ذکر دوست عاشق
- ۳) حال عاشق به گفت در ناید
- ۴) ماند زبان و دل بشد از غم تو مرا و خود

۶۵ عبارت «یکی از صاحب دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده، آن گه که از این معاملت باز آمد، یکی از

- دوستان گفت: از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟» با کدام گزینه مضمون مشترکی ندارد؟
- ۱) مجلسیان محرم اسرار عشق
 - ۲) ای صبا تحفه ای از لعل لب یار بیار
 - ۳) بوستان با دوستان خوشتر کنون
 - ۴) نه فراموشی ام از ذکر تو خاموش نشاند

۶۶ عبارت «گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم دامنی پر کنم هدیه اصحاب را. چون رسیدم، بوی گل چنان مست کرد که دامنم

از دست برفت.» با کدام گزینه قرابت معنایی بیشتری دارد؟

- ۱) ای گل بوستان سرا از پس پرده ها درآ
- ۲) از در درآمدی و من از خود به در شدم
- ۳) با لاله از آنم خوش کاو رنگ تو یاد آرد
- ۴) دلبر برفت و دلشدگان را خبر نکرد

۶۷ بیت «ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد» با کدام گزینه قرابت معنایی بیشتری دارد؟

- ۱) شمع چندان که سوزد بال و پر پروانه را
- ۲) هر آن کس که ز اسرارش خبر یافت
- ۳) رمز سوز آموز از پروانه ای
- ۴) میان شمع و من فرقی که هست این است ای یاران

۶۸ مفهوم بیت «ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد» به کدام گزینه نزدیک تر است؟

- ۱) آتشی در نهاد جان افتاد
- ۲) شمع عشقش چو برکشید علم
- ۳) عقل مخمور منع ما می کرد
- ۴) ناوک آه عاشق سرمست

۶۹ بیت «این مدعیان در طلبش بی خبراند / کان را که خبر شد، خبری باز نیامد» با کدام گزینه مضمون مشترک ندارد؟

- ۱) آن که شد هم بی خبر هم بی اثر
- ۲) تا نگریدی بی خبر از جسم و جان
- ۳) ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی
- ۴) آنان که یافتند خبر بی خبر شدند

۷۰ کدام گزینه مفهومی متفاوتی دارد؟

- ۱) محرم این هوش جز بی هوش نیست
- ۲) سعدی از بارگاه قربت دوست
- ۳) چندان تلاش کن که تو را بی خبر کنند
- ۴) بی خبر پای منه ای دل بی دانش و هوش

- مر زبان را مشتری جز گوش نیست
- تا خبر یافته است بی خبر است
- چون بی خبر شدی ز جهان باخبر شوی
- خبر از خواهی، در دستگه بی خبران

بیت «هیچ نقاش نمی‌بیند که نقشی برکشد / وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای» با کدام گزینه قرابت معنایی دارد؟

- ۱) زبان ناطقه در وصف شوق نالان است
- ۲) ز یزدان دان نه از ارکان که کوتاه‌دیدگی باشد
- ۳) ز هوش برد چنان حیرت تو گلشن را
- ۴) کلک زبان‌بریده حافظ در انجمن

مفهوم حکایت زیر از کدام گزینه دورتر است؟

«گویند که بطی در آب روشنایی می‌دید. پنداشت که ماهی است. قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت. چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فرو گذاشت. دیگر روز هر گاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نپیوستی، و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.»

- ۱) خیال‌پردازی
- ۲) گمان ناروا
- ۳) قیاس نادرست
- ۴) اعتماد به تجربه نادرست

(عمومی فارغ ۹۸)

مفهوم آیه «تُعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذَلُّ مَنْ تَشَاءُ» از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

- ۱) خدای، کار چو بر بنده‌ای فرو بندد
- ۲) صائب به گناه دو جهان از کرم او
- ۳) بلند آن سر، که او خواهد بلندش
- ۴) عزت شاه و گدا زیر زمین یکسان است

(انسانی فارغ ۹۸)

مفهوم ابیات زیر، با همه ابیات تناسب دارد؛ به جز:

- «ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز
این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند
- ۱) بنگر ای شمع که پروانه دگر باز آمد
 - ۲) هر چیز که می‌بینی در بی‌خبری بینی
 - ۳) واصل ز حرف چون و چرا بسته است لب
 - ۴) هر که را بی‌خبر افتاد ز پیمانۀ عشق

(ریاضی ۹۷)

مفهوم بیت زیر، متناسب با کدام بیت است؟

- «تا نگریدی بی‌خبر از جسم و جان
- ۱) در فراق دوستان آخر ز ما چیزی نماند
 - ۲) دل خود دریغ نیست که از دست من برفت
 - ۳) دعوی هستی در این میدان دلیل نیستی است
 - ۴) یار گویند که دارد سر عاشق کشتن

(تجربی ۹۷)

بیت زیر، با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

- «این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند
- ۱) عاشقی را که چنین باده شبگیر دهند
 - ۲) خامی و ساده دلی شیوه جانبازان نیست
 - ۳) در کوی وفا چاره به جز دادن جان نیست
 - ۴) عشق در هر دل که شمع بی‌قراری بر فروخت

((بان ۹۷))

بیت زیر، با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

- «عاشقان کشتگان معشوق‌اند
- ۱) عشق برداشت ز کوچک دلی از خاک مرا
 - ۲) به آه و ناله گفتم دل تهی سازم ندانستم
 - ۳) خوش کن به شور عشق دهن تا چو ماهیان
 - ۴) کار غیور عشق شراکت‌پذیر نیست

((بان ۹۷))

بیت زیر، با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

- «آن‌که شد هم بی‌خبر هم بی‌اثر
- ۱) گر اکنون ترک کار خویش گیرم
 - ۲) در دست ما ز مال جهان نیست خرده‌ای
 - ۳) خواهی خبر از خانه به بازار نیفتد
 - ۴) در مقامی که به یاد لب او می‌نوشتند

- از میان جمله او دارد خبر»
- بسی بی‌برگی اندر پیش گیرم
 - دایم خبر به خانه ز بازار می‌بریم
 - از بی‌خبران بگذر و در خانه ما باش
 - سفله آن مست که باشد خبر از خویشتنش

۷۹ عبارات زیر، با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

(زبان ۹۶)

«گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیهٔ اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.»

عاشقی سوخته خرم چو زلیخا برخاست
تا به چوگان که در خواهد فتادن گوی دوست
چون بدیدیم زبان سخن از کار برفت
به مصر آ، تا پدید آیند یوسف را خریداران

۱) هر کجا سروقدهی چهره چو یوسف بنمود
۲) هر کسی بی خویشتن جولان عشقی می کند
۳) صورت یوسف نادیده صفت می کردیم
۴) تو با این مردم کوتاه نظر در چاه کنعانی

۸۰ بیت زیر، با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

(هزار ۹۵)

از میان جمله او دارد خبر
ز خویش بی خبرم لیک از او خبر دارم
از ماتم همسایه در این خانه خبر نیست
تا واقف از این نکته شود بی خبری چند
که زلف و کاکل و چشم تو در نظر دارد

«آن که شد هم بی خبر هم بی اثر
۱) به سوی او روم آن دم که می روم از خود
۲) چشم غم آن زلف سیه روز ندارد
۳) مست آمدم از میکه عشق تو بیرون
۴) کسی ز فتنه آخر زمان خبر دارد

۸۱ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات تفاوت دارد؟

(ریاضی ۹۵)

باز آمد و اکنون خبر از خویش ندارد
از میان جمله او دارد خبر
چاره زان جوی که کرده است چنین بیمارت
دیگر به من زار که آمد خبر تو؟

۱) قاصد ز برم رفت که آمد خبر از یار
۲) آن که شد هم بی خبر هم بی اثر
۳) خبر از درد ندارند طبیبان زنهار
۴) قاصد که تو را دید ندارد خبر از خود

۸۲ بیت «آن که شد هم بی خبر هم بی اثر / از میان جمله دارد او خبر» با کدام گزینه قرابت مفهومی دارد؟

(عمومی شاعر ۹۴)

خبری آمد و از بی خبرانم کردند
آری در آن نیم شب بر جان مست بی خبر
در جهان هر که غریب است ز خویش چه خبر؟
ما در این ره خویشتن را بی خبر افکنده ایم

۱) در دل شب خبر از عالم جانم کردند
۲) ای عشق شوخ بوالعجب آورده جان را در طرب
۳) اگر از خویش نباشد خبرم نیست غریب
۴) سوی ما از یار ما با آن که می آید خبر

۸۳ مفهوم عبارت «و اصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که ما عرفناک حق معرفتک» با کدام بیت تناسب دارد؟

(تجربی ۹۳)

رندی غریبمانده به کوی قلندر
خیال او رسن در دست بر بالای چاه اینک
جلای دیده ز گل گشت ماهتاب خوش است
که در آن آینه صاحب نظران حیران اند

۱) مردی غریق گشته بحر تحیرم
۲) تو در چاه تحیر مانده وز بهر خلاص تو
۳) ز ماه خانگی آن را که دیده روشن نیست
۴) وصل خورشید به شب پره اعمی (نابینا) نرسد

۸۴ بیت «آن که شد هم بی خبر هم بی اثر / از میان جمله او دارد خبر» با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

(تجربی ۹۳)

وان اثر دارد که او در بی نشانی بی نشان شد
از این سر با خبر تردامن آمد
همراه چه حاجت سفر بی خبری را؟
نمی توان به قدح ساخت بی خبر ما را

۱) آن خبر دارد از او کاو در حقیقت بی خبر گشت
۲) کسی را گر شود گویا بیان
۳) در دامن منزل نبود بیم ز رهزن
۴) حریف باده آن چشم های مخموریم

۸۵ عبارت «باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی دریغش همه جاکشیده» با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

(هزار ۹۳)

در گشاده است و صلا در داده خوان انداخته
می خورد بر خوان انعام تو نان خویشتن
دمی چند خوردیم و گفتند بس
در این سال ها کس نیاراست خوانی

۱) در ضیافت خانه خوان نوالش (لقمه) منع نیست
۲) پس تو را منت ز مهمان داشت باید بهر آنک
۳) دریغا که بر خوان الوان عمر
۴) همانا که بی نعمت او به گیتی

۸۶ مفهوم بیت «آن که شد هم بی خبر هم بی اثر / از میان جمله او دارد خبر» از کدام بیت استنباط می شود؟

(عمومی شاعر ۹۳)

گویا ز عدل ملک یکباره بی خبری
کان که از خویش کند بی خبرم خویش آن است
کسی کز سر این دریا سر مویی خبر دارد
از تب و تاب جگر سوختگانش چه خبر؟

۱) تا کی خبر نشوی از حال خسته دلان
۲) بده آن باده نوشین که ندارم سر خویش
۳) ز عقل و جان و دین و دل به کلی بی خبر گردد
۴) هر که دودی نرسیده است بدو ز آتش عشق

۸۷ مفهوم عبارت «گفت: به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیهٔ اصحاب را. چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.» از دست برفت.» از کدام بیت دریافت می شود؟

(هزار ۹۵)

که روز غم به جز ساغر نگیرم
که یاد خویش گم شد از ضمیرم
ز بام عرش می آید صفیرم
جوان بخت جهانم گرچه پیرم

۱) قراری بسته ام با می فروشان
۲) چنان پر شد فضای سینه از دوست
۳) من آن مرغم که هر شام و سحرگاه
۴) قدح پر کن که من در دولت عشق

(هنر ۹۱)

۸۸ مفهوم «گر کسی وصف او ز من پرسد / بی دل از بی نشان چه گوید باز؟» با همه ابیات، به استثنای بیت تناسب دارد.

- ۱) آن دهان نیست که در وصف سخن دان آید
- ۲) چون سخن در وصف این حالت رسید
- ۳) خدای را به صفات زمانه وصف مکن
- ۴) وصف خوبی او چه دانم گفت؟

(تجربی ۹۱)

۸۹ مفهوم عرفانی واژه «کرامت» در همه ابیات، به استثنای بیت یکسان است.

- ۱) چندان که زدم لاف کرامات و مقامات
- ۲) کرامت کن درونی درد پرورد
- ۳) با خرابات نشینان ز کرامات ملاف
- ۴) چو بدین گهر رسیدی، رسد که از کرامت

(ریاضی ۹۰)

۹۰ مفهوم کدام بیت با توجه به آیه شریفه «تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» متفاوت است؟

- ۱) یکی را همی تاج شاهی دهد
- ۲) یکی را که در بند بینی مخند
- ۳) یکی را ز ماهی رساند به ماه
- ۴) یکی را دهد تاج و تخت بلند

(السانی ۸۸)

۹۱ به مضمون آیه شریفه «تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» در کدام بیت اشاره نشده است؟

- ۱) کلاه سعادت یکی بر سرش
- ۲) ادیم (سفره) زمین سفره عام اوست
- ۳) یکی را به سر بر نهد تاج بخت
- ۴) گلستان کند آتشی بر خلیل

(زبان ۸۷)

۹۲ عبارت «وظیفه روزی به خطای مُنکر نبرد.» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

- ۱) مهیا کن روزی مار و مور
- ۲) ولیکن خداوند بالا و پست
- ۳) پرستار امرش همه چیز و کس
- ۴) چنان پهن خوان کرم گسترده

(زبان ۸۷)

۹۳ بیت «چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟ / چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

- ۱) هم گلستان خیالم ز تو پُر نقش و نگار
- ۲) در ره عشق که از سیل بلا نیست گذار
- ۳) در بیابان طلب گرچه ز هر سو خطریست
- ۴) مدعی خواست که از بیخ کند ریشه ما

(ریاضی ۸۷)

۹۴ بیت «این مدعیان در طلبش بی خبرانند / کان را که خبر شد، خبری باز نیامد» با مفهوم کدام بیت متناسب است؟

- ۱) من نه کنون پا نهادهام به خرابات
- ۲) دم نتوان زد به مجلسی که در آنجا
- ۳) واسطه را با تو هیچ رابطه ای نیست
- ۴) پرده تن را به دست شوق دریدیم

(هنر ۸۶)

۹۵ مفهوم آیه شریفه «تَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ» با کدام بیت متناسب است؟

- ۱) آن که را کردگار کرد عزیز
- ۲) آن که خود را شناخت نتواند
- ۳) آن که عیب تو گفت، یار تو اوست
- ۴) آن که را با طمع سروکار است

(هنر ۸۶)

۹۶ بیت «این مدعیان در طلبش بی خبرانند / کان را که خبر شد، خبری باز نیامد» با همه ابیات، به غیر از بیت تناسب معنایی دارد.

- ۱) گر برود جان ما در طلب وصل دوست
- ۲) هر که را اسرار حق آموختند
- ۳) نالیدن بلبل ز نوآموزی عشق است
- ۴) کسی را در این بزم ساغر دهند

- ۱) حیف نباشد که دوست، دوست تر از جان ماست
- ۲) مهر کردند و دهانش دوختند
- ۳) هرگز نشنیدیم ز پروانه صدایی
- ۴) که داروی بی هوشی اش در دهند

کنگورهای سراسری داخل و خارج ۱۳۹۹

تجربی ۹۹

۲۳۲۱ مفهوم کدام بیت با بقیه، متفاوت است؟

- ۱) جوش فرهاد است از کهسار من سرچشمه‌ای
- ۲) می‌کند در سینه گرم قیامت، شور عشق
- ۳) شور عشق من فلک‌ها را به چرخ آورده است
- ۴) می‌فشانم نور خود بر تیره‌روزان بی‌دریغ

شور مجنون گردبادی از بیابان من است
صبح محشر خنده چاک گریبان من است
کشتی افلاک بی‌لنگر ز طوفان من است
خرمن ماهم پیرشانی نگهبان من است

۲۳۲۲ عبارت: «این صلت، فخر است، پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست.» با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

- ۱) گرفتمت که هزاران متاع از این سان هست
- ۲) به راحت نفسی رنج پایدار مجوی
- ۳) نکنم رغبت دنیا که متاعی است قليل
- ۴) غایت کام و دولت است آن‌که به خدمت رسید

کدام حيله کنی تا فروخت بتوانی
شب شراب نيززد به بامداد خمار
شاهبازان به گه صيد نگیرند مگس
بنده میان بندگان فخر کند به چاکری

۲۳۲۳ مفهوم کدام بیت در مقابل آن «غلط» آمده است؟

- ۱) صنمی لشکریم غارت دل کرد و برفت
- ۲) اگر ز مردم هشیاری ای نصیحت گو
- ۳) چرخ برهم زخم ار غیر مرادم گردد
- ۴) حدیث عشق که از حرف و صوت مستغنی است

آه اگر عاطفت شاه نگیرد دستم (طلب دادخواهی)
سخن به خاک می‌فکن چرا که من مستم (مستی و راستی)
من نه آنم که زبونی کشم از چرخ فلک (بلندنظری)
به ناله دف و نی در خروش و ولوله بود (آوازه محبت)

۲۳۲۴ کدام بیت با عبارات زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«اندر همه کاری داد از خویشتن بده که هر که داد از خویشتن بدهد از داور مستغنی باشد.»

- ۱) دلیر در سر بازار حشر خرج کند
- ۲) شور سحر حشر اگر باورتان نیست
- ۳) زود باشد حشرشان در خاک با قارون شود
- ۴) حلال و خوش خور و طاعت کن و دروغ مگوی

گرفت هر که زر خویش را عیار امروز
گل مصحف صدف به سوگند گشوده است
این گران‌جانان که سیم و زر به روی هم نهند
بر این سه کار بری روز حشر گوی عمل

۲۳۲۵ مفهوم بیت زیر با کدام بیت، یکسان است؟

- «فرع‌ها را از رجوع اصل بیدل، چاره نیست
- ۱) فرع را از اصل خویش آگاه باید زیستن
- ۲) اصل است که فرع می‌نماید
- ۳) مادر فرزند جویان وی است
- ۴) هین خمش کن به اصل راجع شو

راه‌ها سربسته بود آخر به خود باز آمدیم
شیشه را سامان مستی غافل از خارا نکرد
زان اصل کسی گذر ندارد
اصل‌ها مر فرع‌ها را در پی است
دیدۀ راجعون نمی‌خسبد

۲۳۲۶ همه ابیات با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

- «اولاً تجرید شو از هرچه هست
- ۱) سر کویس هوس داری هوس را پشت پای زنی
- ۲) بر سر کوی وصل تو مرغ صفت پریدمی
- ۳) شمع سان پیشت بخواهم سوخت سرتاپا که من
- ۴) گر تو سر خواهی ز من سر با تو بسپارم به چشم

وانگهی از خود بشو یک‌بار دست
در آن اندیشه پیکرو شو دو عالم را قفایی زن
آه اگر نسوختی آتش هجر بال من
در فنای خویش می‌بینم بقای خویشتن
سر چه باشد هرچه دارم در نظر آرم به چشم

۲۳۲۷ کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

- «گلۀ ما را گلۀ از گرگ نیست
- ۱) دل به من گوید چون آب تو از سر بگذشت
- ۲) مرا بگذشت آب و رفت از سر
- ۳) سخن هرچه گفتم همه خیره بود
- ۴) زندگی در مردن و در محنت است

کاین همه بیداد شبان می‌کند
روی بر خاک نه از جور وی و زار بنال
بر این عالم مدارا نیست در خور
که آب روان از بنه تیره بود
آب حیوان در درون ظلمت است

۲۳۲۸ مفهوم بیت زیر از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

- «گل اگرچه هست بس صاحب جمال
- ۱) شد نخل ماتم از دم افسردۀ خزان
- ۲) برگ گل لعل بود شاهد بزم بهار
- ۳) می‌گرفتم تنگ اگر در غنچگی بر خویشتن
- ۴) گل چو بر ناله مرغان چمن خنده زند

حسن او در هفته‌ای گیرد زوال
تا راست کرد قامت خود را نهال گل
آب گلستان ببرد شاهد گلروی من
می‌توانستم چو گل مشیت زری پیدا کنم
چه کند بلبل شب‌خیز که سودا نکند

۲۳۲۹ مفهوم کنایی بیت زیر از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

- «عقل میدان سخن بر عاقلان کرده است تنگ
 (۱) نیست در روی زمین گوشی سزاوار سخن
 (۲) گوهر شهوار مزد لب به جا واکردن است
 (۳) نمی‌توان ز سخن ساختن خموش مرا
 (۴) دهان مور را پر خاک دارد بی‌زبانی‌ها

ریاضی ۹۹

۲۳۳۰ مفهوم کدام بیت در مقابل آن «غلط» آمده است؟

- (۱) تا صورتت نکو بود افعال زشت کردی
 (۲) پادشاهی که در او روی و ریایی نبود
 (۳) گر چو فرهادم به تلخی جان برآید پاک نیست
 (۴) از جان طمع بریدن آسان بود ولیکن

۲۳۳۱ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، متفاوت است؟

- (۱) گر به دیدن شوی از دست‌درازی قانع
 (۲) هر که گردید ز عبرت به تماشای قانع
 (۳) زود عاجز شود از دیدن یوسف چشمی
 (۴) منم به گوشه چشمی ز آشنا قانع

۲۳۳۲ مفهوم کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- (۱) شکفته لاله نعمان به سان خوب‌رخساران
 (۲) وقت است از شکوفه چمن سیم‌تن شود
 (۳) سنبل او می‌خرامد دست بر دوش بهار
 (۴) شده است چون رخ لیلی و سینه مجنون

۲۳۳۳ همه ابیات با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

- «سخن گفته دگر باز نیاید به دهن
 (۱) سخن چون برابر شود با خرد
 (۲) سخن گر چو گوهر برآرد فروغ
 (۳) بدان کز زبان است مردم به رنج
 (۴) سخن پیش فرهنگیان سخته گوی

۲۳۳۴ مفهوم کدام بیت با بیت زیر، هم‌خوانی دارد؟

- «وصلت آن‌کس یافت کز خود شد فنا
 (۱) بیاگر خواهیم دیدن که دور از روی خوب تو
 (۲) بی‌فنا ره نتوان برد به سر منزل دوست
 (۳) ما چو قدر وصلت ای جان و جهان نشناختیم
 (۴) مکن از ظلمت پروحشت فقر و فنا دهشت

۲۳۳۵ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

- (۱) تخم راز عشق را در خاک کردن مشکل است
 (۲) که را زهره است راز عشق را در دل نگه دارد؟
 (۳) از خاک اهل عشق نظر خیره می‌شود
 (۴) به هر بی‌پرده‌ای اظهار نتوان کرد راز خود

۲۳۳۶ مفهوم کدام بیت با بیت زیر، یکسان است؟

- «دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است
 (۱) شاه‌ها به سوی خصمت تیر دعا فکنند
 (۲) فروغی از دعای پادشه فارغ نباید شد
 (۳) به هر قفلی کلید صبح‌خیزان راست می‌آید
 (۴) به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست

۲۳۳۷ مفهوم همه ابیات یکسان است؛ به جز:

- (۱) بر چهره وصفش چه محل زیور تقریر
 (۲) در روی تو گفتم سخنی چند بگویم
 (۳) هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی بر کند
 (۴) صورت یوسف نادیده صفت می‌کردند

ورنه مجنون با در و دیوار می‌گوید سخن»
 چون نبندد طوطیان را زنگ در منقار حرف؟
 این نصیحت را به خاطر از صدف داریم ما
 که چون صدف ز دهان است رزق گوش مرا
 مرا تیغ زبان چون مار بی‌زهار بایستی

پس فعل را نکو کن اکنون که زشت گشتی (دریافتن باقی‌مانده عمر)
 بهتر از زهدفروشی که در او روی و ریاست (مذمت تزویر)
 پس حکایت‌های شیرین بازمی‌ماند ز من (توصیه به داستان‌پردازی)
 از دوستان جانی مشکل توان بریدن (تأثیر عشق)

می‌توان از گل ناچیده چه گل‌ها چیدن
 به کف پوچ شد از گوهر دریا قانع
 که به دیدار نگردد چو زلیخا قانع
 به خاک پای قناعت ز توتیا قانع

به مشک اندر زده دل‌ها به خون اندر زده سرها
 هر خار خشک یوسف گل پیرهن شود
 تا کند در وقت فرصت حلقه در گوش بهار
 ز جوش لاله و گل دامن بیابان‌ها

اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد»
 روان سراینده رامش برد
 چو ناباور افتد نماید دروغ
 چو رنجش نخواهی سخن را بسنج
 به هر کس نوازنده و تازه‌روی

هر که فانی شد ز خود مردانه‌ای است»
 بقای خویش چندان نمی‌بینم نمی‌بینم
 هستی ناقص من موجب حرمان من است
 لاجرم در بوتۀ هجران تو بگذاختم
 نظر چون خضر بر سرچشمۀ آب بقا بگشا

چون شرر از سنگ بیرون می‌جهد اسرار عشق
 صدف را سینه چاک آرد به ساحل گوهر عاشق
 از ابر پردگی نشود آفتاب عشق
 دل شب‌ها بود گنجینه اسرار عاشق را

بدین راه و روش می‌رو که با دلدار پیوندد»
 از کردگار خواهم تأثیر این دعا را
 دعا کن کز لب روح‌الامین آمین شود پیدا
 مشو دل‌های شب زهار از دست دعا غافل
 که مونس دم صبحم دعای دولت دوست

دریاب که حاجت به بیان نیست عیان را
 رو باز گشادی و در نطق بیستی
 وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای
 با میان آمد و بی‌عقل و زبان گردیدم

۲۳۳۸ مفهوم حدیث «حاسبوا قبل ان تحاسبوا» از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

گرددن عامل بود باریک در پای حساب
مثل سلمان عجب از ز آن چه درآید به حساب
پیش چشم من ز عینک نصب، میزان حساب
خود حساب آسوده است از پرسش روز حساب

۱) در زمان خط، مدار چشم او بر مردمی است
۲) زان خلایق که درآیند به دیوان حساب
۳) صبح پیری نیست گر صبح قیامت، از چه کرد
۴) سنگ کم در پله میزان خجالت می‌کشد

اسلانی ۹۹

۲۳۳۹ مفهوم کدام بیت، متفاوت است؟

ور نه خم گردیدنت بر هر دو عالم پشت پاست
جز جوانی‌ها از این بی‌پیر نتوان یافتن
که مار از امتداد روزگاران اژدها گردد
بیش تر دست طمع‌کار از عصا گردد بلند

۱) قامت پیری ز حرص شد کمینگاه امل
۲) حرص و یک عالم فضولی خواه طاقت خواه عجز
۳) دو بالا می‌شود طول امل چون قد تا گردد
۴) پیش راه حرص پیری چوب نتواند گذاشت

۲۳۴۰ همه ابیات با بیت زیر، تناسب مفهومی دارند؛ به جز:

که دل به درد تو خو کرد و ترک درمان گفت
بی‌خلاف از وی برآرد داغ بی‌صبری دمار
درد میخانه قسمت می‌سرجوش من است
ولی چه سود که سر رشته در رضای تو بست
تدبیر این قضیه برون زین سه چار نیست

«من و مقام رضا بعد از این و شکر رقیب
۱) هر که روزی بی‌رضایش چهره زیباش دید
۲) در خرابات رضا نشو و نما یافته‌ام
۳) مرا به بند تو دوران چرخ راضی کرد
۴) صبر و تحمل است و رضا چاره با قضا

۲۳۴۱ کدام بیت، با بیت زیر «تقابل» مفهومی دارد؟

شرط عقل است جستن از درها
روزی آماده می‌خواهی برو غمخوار شو
نیست رزقی جز سر انگشت پشیمانی مرا
کم نگردد روزی‌اش هرگز ز خوان آفتاب
از برای رزق کوشیدن نمی‌آید ز من

«رزق هر چند بی‌گمان برسد
۱) قانع از رزق پریشان با دل صد پاره شو
۲) گرچه از آتش‌زبانی شمع این نه محفل
۳) دخل و خرج خویش را چون مه برابر هر که کرد
۴) دست بیعت با توکل داده‌ام روز ازل

۲۳۴۲ کدام بیت، مفهومی نظیر بیت زیر را دارد؟

با جان بودن به عشق در سامان نیست
عشق اگر خیمه زند ملک جهان این همه نیست
که ز هفتاد و دو ملت همه بیزار شدیم
با سر اندر کوی دلبر عشق نتوان باختن
الفتی با یکدگر دیوانه و فرزانه را

«در عشق کسی قدم نهد کش جان نیست
۱) یار اگر جلوه کند دادن جان این همه نیست
۲) جذبه عشق کشانید به کیشی ما را
۳) عشق‌بازی چیست سر در پای جانان باختن
۴) گر گریزد عاشق از زاهد عجب نبود که نیست

۲۳۴۳ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

چو لاله داغ هوایی که بر جگر دارد
بنفشه‌زار شود تربتم چو درگذرم
ز تربتم بدمد سرخ گل به جای گیاه
گر از سر خاکم بدمد برگ گیاهی

۱) دل شکسته حافظ به خاک خواهد برد
۲) چنین که در دل من داغ زلف سرکش توست
۳) به عشق روی تو روزی که از جهان بروم
۴) باشد غم هجر تو به خونابه بر آن نقش

۲۳۴۴ بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

همه سهل است تحقل نکنم بار جدایی
وگر نه شرح دهم با تو داستان فراق
چه پاک از سوختن او را که بر بالین بود یارش
در کنار خویشتن دیدم سزای خویش را
فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت

«عشق و درویشی و انگشت‌نمایی و ملامت
۱) زبان خامه ندارد سر بیان فراق
۲) به پیش شمع اگر پروانه سوزد نیست دشوارش
۳) دامن‌دارم پر از خون چون نگفتم شکر وصل
۴) شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت

۲۳۴۵ مفهوم مقابل کدام بیت «غلط» است؟

از زیر پای منصور کرسی کشید باید (فناء فی الله)
در روزنامه خود هر روز دید باید (حاسبوا قبل ان تحاسبوا)
نه پرده فلک را از هم درید باید (کل اناء یترشح بما فیه)
چون خنده‌ای دهد رو لب را گزید باید (الدهر یومان یوم لک و یوم علیک)

۱) کرسی چه حاجت آن را کز عرش برگزیده است
۲) منشور رستگاری است طومار خود حسابان
۳) چون رنگ می‌ز مینا بیرون دوید باید
۴) نوش دکان هستی آمیخته است با نیش

۲۳۴۶ بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

رمیدن از در دولت نه رسم و راه من است
در آن یک دم دو عالم را بگیری
کس نمی‌داند چه می‌خواهد اجل از جان ما
کیست که برگیرد روی از این آستان
گر بکشد گو بکش پیش از اجل کس نمرد

«مگر به تیغ اجل خیمه برکنم ور نه
۱) اگر پیش از اجل یک دم بمیری
۲) با چنین عمری که ما بر حال خود درمانده‌ایم
۳) تا نزنند بر سرم دست اجل آستین
۴) زندگی از وصل اوست و ز غم او چاره نیست

۲۳۴۷ بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

«ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند»
 (۱) سر به جیب فکر بر تا از فلک بیرون شوی
 (۲) آسپای فلک از بهر تو سرگردان است
 (۳) پیچیدن سرپنجه من کار فلک نیست
 (۴) آسمان است تو را ضامن روزی و ز حرص

زبان ۹۹

۲۳۴۸ مفهوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«خواهی که ز دست دیو مردم برهی»
 (۱) چه پوشی پرده بر رویی که آن پنهان نمی‌ماند
 (۲) روی پنهان کن که خار تهمت ابنای دهر
 (۳) پیش مردم آشکارا چون مرا دیوانه ساخت
 (۴) سرچشمه حیوان به دهان تو تشبه

۲۳۴۹ کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«گرم به هر سر مویی هزار جان بودی»
 (۱) ای تن اگر بی‌دلی سر ز کمندش مپیچ
 (۲) ای دل نگفتمت که ز زلفش عنان بتاب
 (۳) طره مشکین نباشد بر رخ جانان غریب
 (۴) رشته جان من سوخته بگسیخته باد

۲۳۵۰ مفهوم کدام بیت با بیت زیر، یکسان نیست؟

«با محتسبم عیب مگویند که او نیز»
 (۱) ز سنگ محتسب شهر غم مخور ساقی
 (۲) مجلس می شیشه و پیمانه بسیار داشت
 (۳) می خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب
 (۴) صوفی ز کنج صومعه با پای خم نشست

۲۳۵۱ کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«صورت زیبای ظاهر هیچ نیست»
 (۱) یک جهان دیوانه را نتوان به مویی بند کرد
 (۲) بوی سر زلف تو به شنیدایی من نیست
 (۳) میان صورت و معنی بسی تفاوت‌هاست
 (۴) شاهد آن نیست که مویی و میانی دارد

۲۳۵۲ مفهوم کنایی «گندم‌نمای جوفروش» از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

(۱) گرچه گردآلود فقرم شرم باد از همتم
 (۲) شرمم از خرقة آلوده خود می‌آید
 (۳) خودنمایی کار ما را در گره انداخته است
 (۴) در خرقة چو آتش زدی ای عارف سالک

۲۳۵۳ مفهوم همه ابیات یکسان است؛ به جز:

(۱) کرد تصویر تو را صورتگر چین آرزو
 (۲) صورتگری که حسن ادای تو دیده است
 (۳) نقاش چین چو صورتش آورد در نظر
 (۴) صورتگران که آن قد موزون کشیده‌اند

۲۳۵۴ کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست»
 (۱) زاهد ایمن مشو از بازی غیرت زنه‌ار
 (۲) گر مدد خواستم از پیر مغان عیب مکن
 (۳) بر من آسان است اگر صد پاره سازم دل ز درد
 (۴) زاهد پشیمان را ذوق باده خواهد کشت

۲۳۵۵ کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«ضربت گردون دون آزادگان را خسته کرد»
 (۱) جهان به چشم حسودان سیاه می‌سازد
 (۲) کوش تا دل به تماشای جهان نگذاری
 (۳) دیری است کاین زمانه بدخوی سفله‌طبع
 (۴) مکن آزادگان را جستجو از این و آن پنهان

«تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری»
 بر کمی زن تا چو ماه عید روزافزون شوی
 تو ز اندیشه روزی چه پریشان شده‌ای؟
 کز دهشت من پنجه هم زور شود خشک
 رزق خود را تو ز هر در چو گدا می‌طلبی

مانند پری ز آدمیان پنهان باش»
 و گر در پرده می‌داری کسی را جان نمی‌ماند
 می‌درد از هم تو را گر دامن مریم شوی
 روی خود را آن پری از دیده پنهان کرد و رفت
 کرد از نظر مردم از آن روی نهان شد

فدای جان و سرش کردم به جان و سرش»
 وی دل اگر عاشقی روی ز مهرش متاب
 کاهنگ چین خطا بود از بهر مشک ناب
 زان که نبود سنبل سیراب در بستان غریب
 گر ز عشق سر زلفت ندهم جان همه شب

پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است»
 سپرده‌ایم به پیر مغان سبوی تو را
 هیچ‌کس چون محتسب مستانه نشکست و نریخت
 چون نیک بنگری همه تزویر می‌کنند
 تا دید محتسب که سبو می‌کشد به دوش

ای برادر سیرت زیبا بیار»
 زلف جانان بار دل‌ها برنتابد بیش از این
 آوازه حسن تو به رسوایی من نیست
 فرشته را به تصوّر مگوی اهرمن است
 بنده طلعت آن باش که آنی دارد

گر به آب چشمه خورشید دامن‌تر کنم
 که بر او وصله به صد شعبده پیراسته‌ام
 قطره چون برداشت دست از خویش دریا می‌شود
 جهدی کن و سر حلقه رندان جهان باش

بست چندین صورت و صورت نیست این آرزو
 تصور ناکشیده خجالت کشیده است
 زد بر زمین قلم که چه‌ها می‌کشیم ما
 در حیرتم که ناز تو را چون کشیده‌اند

در حق ما هرچه گوید جای هیچ اکراه نیست»
 که ره از صومعه تا دیر مغان این همه نیست
 شیخ ما گفت که در صومعه همت نبود
 پیش بی‌دردان گریبان پاره کردن مشکل است
 عاقلاً مکن کاری کآورد پشیمانی

کو دل آزاده‌ای کز تیغ او مجروح نیست»
 چو لاله با جگر داغدار خندیدن
 داغ افسوس بر آیینۀ جان نگذاری
 با سفلگان چمید و ز آزادگان رمید
 که باشد از سبک‌باری پی این کاروان پنهان

۲۳۵۶ مفهوم بیت زیر از کدام ابیات دریافت می‌شود؟

«گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید
الف) بی‌جمال عالم‌آرای تو روزم چون شب است
ب) زهر اندر کام عاشق شهید گردد در زمان
ج) جمال کعبه مگر عذر رهروان خواهد
د) مرا چون سوختی بگذار برگرد سرت‌گردم
۱) الف، ب ۲) ب، ج

هنر ۹۹

۲۳۵۷ کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«چون شیر به خود سپه شکن باش
۱) همچو کمان سخت ز طبع غیور خویش
۲) سرسبز آن که سعی کند در هلاک خویش
۳) ز گاهواره تسلیم کن سقیفه خویش
۴) گوهر نمای جوهر ذاتی خویش باش

۲۳۵۸ مفهوم کدام بیت، با دیگر ابیات، متفاوت است؟

۱) در کلبه من گرد علایق نبود فرش
۲) خاطرت کی رقم فیض پذیرد هیئات
۳) خار صحرای علایق نیست دامنگیر من
۴) بی‌برگی من از سخن سرد طمع بود

۲۳۵۹ مفهوم ابیات زیر مصداق کدام آیه شریفه است؟

«زدم تیشه یک روز بر تل خاک
که زنه‌ار اگر مردی آهسته‌تر
۱) اِنِّیْ عَلِمْتُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۲) عَلَّمَ اَدَمَ الْاَسْمَاءَ کُلَّهَا

۲۳۶۰ کدام ابیات، مفهومی مشترک دارند؟

الف) مردم همان ز سایه ما فیض می‌برند
ب) ما را به چشم شور، حسودان گذاختند
ج) چون باده آب شد ز لگد استخوان ما
د) چندین هزار بار فشانندیم خویش را
ه) از زهر سبز شد قلم استخوان ما
۱) ج، د، ه ۲) ب، ج، د

۲۳۶۱ مفهوم کلی همه ابیات یکسان است؛ به جز:

۱) ز همت ساخت عیسی بر سپهر چارمین منزل
۲) من همه همت بر اسباب سفر دارم مرا
۳) اهلی گرت ز نخلی رطب دست کوتاه است
۴) نیست از همت خود با دو جهانم کاری

۲۳۶۲ کدام بیت در بردارنده مفهوم بیت زیر است؟

«چه در کار و چه در کار آزمودن
۱) مینداز در پای کار کسی
۲) یاری که در او اهلیتی نیست مگیر
۳) بی‌کاری و توکل دور است از مروت
۴) کار عالم نیک دیدم هیچ بر بنیاد نیست

۲۳۶۳ کدام بیت، «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

«مستمع چون تازه آید بی‌ملال
۱) مستمع داند به جد آن خاک را
۲) سخنوری نتوان بی سخن‌شنو کردن
۳) مستمع چون تشنه و جوینده شد
۴) عطارد در دل و جان اسرار دارد از تو

۲۳۶۴ مفهوم کلی همه ابیات یکسان است؛ به جز:

۱) حدیث عشق نگیرد به زاهدان هرگز
۲) شوخی عشق نگیرد به کهنسالی کم
۳) مزه هوش جز انگشت پشیمانی نیست
۴) به عاقلان نتوان دوخت داغ سودا را

چون عشق حرم باشد سهل است بیابان‌ها
با کمال عشق تو در عین نقصانم چو شمع
ز آن شکرهایی که روید هر دم از نی‌های عشق
که جان زنده‌دلان سوخت در بیابانش
که می‌گردد حصار عافیت خاکستر عاشق

۱) الف، د ۲) الف، د ۳) الف، د ۴) ج، د

فرزند خصال خویشتن باش
آسوده از کشاکش خلقم ز زور خویش
چیند چو سرو دامن همت ز خاک خویش
میان بحر بلا در کنار مادر باش
خاکش به سرکه زنده به نام پدر بود

سیلاب، تهی‌دست ز کاشانه من شد
مگر از نقش پراکنده ورق ساده کنی
گردبادم، ریشه من بال پرواز من است
مهری که زدم بر لب خود دانه من شد

به گوش آمدم ناله‌ای دردناک
که چشم و بناگوش و روی است و سر
۱) اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَه ۲) اِنِّیْ خَالِقُ بَشَرٍ مِّنْ طِیْنٍ

مانند سرو و بید اگر بی‌بر آمدم
هر چند تشنه لب ز لب کوثر آمدم
تا از حریم خم به لب ساغر آمدم
تا همچو آب در نظر گوهر آمدم
تا در مذاق اهل جهان شکر آمدم
۱) الف، ب، ج ۲) الف، ب، ج ۳) الف، ب، ج ۴) الف، ب، ه

کلید فتح گردون همت مردانه می‌باشد
در حضر ساز مهیا برنتابد بیش از این
همت بلند دار که روزی مقدر است
همتی دارم اگر هیچ ندارم باری

نباید جز به خود محتاج بودن
که افتد که در پایش افتی بسی
کاری که در او منفعتی نیست مکن
بر دوش خلق مفکن زنه‌ار بار خود را
بر دل خاصان ز عالم جز غم و بیداد نیست

صد زبان گردد به گفتن گنگ و لال
چشم و گوشه داند او خاشاک را
سخن به گوش بود بیش از زبان محتاج
واعظ ار مرده بود گوینده شد
چون مستمع نباید پس چون کند روایت

ز بوی گل نشود جغد شادمان هرگز
دل چو افتاد جوان، پیر نگرده هرگز
مست خوب است که هشیار نگردد هرگز
تنور سرد نگیرد به خویش نان هرگز

چندان که نظر کار کنند ناز و نعیم است (پذیرش مشیت الهی)
از نور تجلی یَد بیضای کلیم است (اسرار و رموز الهی)
کجا دگر به دو عالم سرش فرود آید (مناعت طبع)
همچو داغ لاله ریزد طشت آتش بر سرش (ویرانگری عشق)

مگر کسی که اسیر کمند زیبایی است
ریسمان در پای حاجت نیست، دست‌آموز را
لیکن چو آهو سر در کمندم
رهایمی دل از آن عنبرین کمند مباد

حدیث جان مگو با نقش دیوار (پرهیز از سخن گفتن)
به زور و زر میسر نیست این کار (اثر بخشی عنایت معشوق)
در حیرتم که باده فروش از کجا شنید (الهام شدن راز معرفت)
همان رسید کز آتش به برگ کاه رسید (فنای عاشق)

شرط عقل است جستن از درها
سعی کن سعی که دل را نگران نگذاری
قفیل روزی گر کلیدی دارد ابرام است و بس
به قدر آن چه فرمان می‌بری فرمانروا گردی
که سعی بیهده پاپوش می‌درد مثل است

کجا دیدی که بی‌آتش، کسی را بوی عود آید
ما ز خامی عاقبت در آتش خود سوختیم
گر به دوزخ برویم آرزوی حور کنیم
افسرده‌دلان را به خرابات چه کار است
چون خلیل از شعله باغ دلگشا دارد سپند

در خود بطلب هر آن چه خواهی، که تویی
گوهر مقصود در دامن ساحل بوده است
در این زمانه که گوهرشناس نایاب است
هست بی‌جایی اگر زیر فلک جای خوشی است
خودبین کسی که نیست در این عهد، چشم ماست

نباید جز به خود محتاج بودن
نبینی از پی کاری نیاز پیکارم
ور زرداری به زور محتاج نه ای
نیستم با دل صد پاره به گلشن محتاج
بندگان را مبتلا سازد به درد احتیاج

به غیر مصلحتش رهبری کند ایام
اگر برون دهم از دل غم نهانی خویش
گل به چشم روزنم از مهر و ماه افتاده است
گشادت گرچه سرپای شوی رویین
بس عجب نیست که گیتی همه افسون و دم است

خموشی است هان، اولین شرط عشق
عاشقی دین من و بی‌خبری کیش من است
افروخته از شمع دل بی‌خبران است
از هستی خود هیچ خبردار نبودم
با وجودش ز من آواز نیاید که منم

که تر نمی‌شودم پای از شط بغداد
ز بس که عارف و عامی به رقص برجستند
که خارهای مغیلان حریر می‌آید
که در بهار نخیزد ز بلبان فریاد
زیر شمشیر شهادت رقص بسمل کرده‌ایم

۲۳۶۵ مفهوم مقابل کدام بیت «غلط» است؟

- راضی به قضا باش که در خاطر خرسند
- در دیده روشن گهران هر ورق گل
- کسی که قاف قناعت وطن چون عنقا کرد
- عشق، هر کس را نهد بر چهره خال انتخاب

✓ عمومی خارج از کشور ۹۹

۲۳۶۶ مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات، متفاوت است؟

- خلاص بخش خدایا همه اسیران را
- دیگری را در کمند آور که ما خود بنده‌ایم
- گفتم ز قیدش یابم رهایی
- اگر چه سنبل زلفت به خون من تشنه است

۲۳۶۷ مفهوم کدام بیت، در مقابل آن «غلط» آمده است؟

- به مستوران مگو اسرار مستی
- سکندر را نمی‌بخشند آبی
- یسر خدا که عارف سالک به کس نگفت
- ز شوق روی تو شاها بدین اسیر فراق

۲۳۶۸ کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

- «رزق هر چند بی‌گمان برسد
(۱) چشم بستن ز تماشای دو عالم سهل است
(۲) از توکل در حنا مگذار دست سعی را
(۳) در این درگاه سعی هیچ کس ضایع نمی‌ماند
(۴) به اقتضای قضا کار خویش را بگذار

۲۳۶۹ مفهوم بیت زیر از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

- «بسوز ای دل که تا خامی، نیاید بوی دل از تو
(۱) از نگاه گرم روی یار را افروختیم
(۲) طمع خام نشد ز آتش حرمان پخته
(۳) آتش نفسان قیمت میخانه شناسند
(۴) گر برآرد عشق دود از خرمن ما گو برآر

۲۳۷۰ بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

- «بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست
(۱) ما عبث در سینه دریا نفس را سوختیم
(۲) چرا صدف نکند چاک سینه را صائب
(۳) بی‌کسی‌هاست اگر هست کسی در عالم
(۴) جز خویش را کسی به نظر در نیاورند

۲۳۷۱ مفهوم بیت زیر از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

- «چه در کار و چه در کار آزمودن
(۱) نیاز گر بدزد پیکر مرا از هم
(۲) بی‌زرتوان رفت به زور از دریا
(۳) کرده‌ام غنچه‌صفت باغ خود از خانه خویش
(۴) بی‌نیازی سرکشی می‌آورد، زان لطف حق

۲۳۷۲ کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

- «هر آن که گردش گیتی به کین او برخاست
(۱) در این جهان دل بی‌غم نمی‌شود پیدا
(۲) روزگارم تیره و بختم سیاه افتاده است
(۳) ز کمان قدر آن تیر که بگریزد
(۴) بی‌می‌روشن اگر تیره شد آینه عیش

۲۳۷۳ کدام بیت با بیت زیر، ارتباط مفهومی دارد؟

- «مگو سوخت جان من از فرط عشق
(۱) هر گروهی بگزینند به عالم دینی
(۲) بر بی‌خبری زن که چراغ حرم غیب
(۳) وقتی که شدم با خبر از یسر دهانش
(۴) تا خبر دارم از او بی‌خبر از خویشتم

۲۳۷۴ کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

- «چنان به جاذبه، شوق خلیفه می‌بردم
(۱) بساط سبزه لگدکوب شد به پای نشاط
(۲) جمال کعبه چنان می‌کشاندم به نشاط
(۳) در این زمانه چنان پست شد ترانه عشق
(۴) کم نشاطی نیست آزادی از این وحشت‌سرا

انسانی خارج از کشور ۹۹

۲۳۷۵ مفهوم کدام بیت، با ابیات دیگر، تفاوت دارد؟

- ۱) از خموشی می‌توان صائب به معنی راه برد
- ۲) غم ندارد راه در دارالامان خامشی
- ۳) همه وقت کم گفتن از روی کار
- ۴) دهن به حرف مکن باز چون صدف صائب

۲۳۷۶ مفهوم کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- ۱) در بحر نیستی بود آسوده کشتی ما
- ۲) عشرت فصل بهاران خنده‌واری بیش نیست
- ۳) نقش هستی سر خط، لوح خیالی بیش نیست
- ۴) ساز هستی یک قلم آماده برق فتاست

۲۳۷۷ مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

- ۱) کژدمان گر به خلق نیش زنند
- ۲) مار بدزخم از زند بر جان مرد
- ۳) از آن مار بر پای راعی زند
- ۴) نیمینی که چون گربه عاجز شود

۲۳۷۸ همه ابیات با «ما عرفناک حق معرفتک» قرابت مفهومی دارند؛ به جز:

- ۱) تو را این وصف‌ها چون نیست حالی زن تن از گفتن
- ۲) خیره گردد دیده دل در شعاع مهر ذات
- ۳) اعرف دوران حدیث ما عرفناک چو گفت
- ۴) در مجالی که کشد موبک اوصاف تو صف

۲۳۷۹ کدام بیت «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

- «تا هستی تو بُود سر مو بر جای
- ۱) چهارچوب طبع بشکن مردوار
 - ۲) وهم هستی بست بر آینه‌ام رنگ دویی
 - ۳) مدان کار کمی با زحمت هستی به سر بردن
 - ۴) پرواز سایه جز به سر بام مهر نیست

۲۳۸۰ مفهوم عبارات زیر در کدام بیت، آمده است؟

«خدا را چه دیدی برادر من؟ از قدیم گفته‌اند: کاجی به از هیچی! چه بسا همین پانزده تا مین برایمان کاری افتاد.»

- ۱) ای سلیم آب ز سرچشمه ببند
- ۲) آب نیافتنه گران باشد
- ۳) خون خود را گر بریزی بر زمین
- ۴) آب دریا را اگر نتوان کشید

۲۳۸۱ عبارت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

- «حساب خود این‌جا کن آسوده دل شو
- ۱) دم نشمرده محال است برآرد چون صبح
 - ۲) گشود دفتر انصاف خط، مهتا شو
 - ۳) خود حسابی خط پاکی است ز دیوان حساب
 - ۴) از سینه برنیارد نشمرده یک نفس را

۲۳۸۲ کدام بیت با بیت زیر، مفهوم یکسانی دارد؟

- «یوسف به این رها شدن از چاه دل مبند
- ۱) در خم زلف تو آویخت دل از چاه زنج
 - ۲) عزیزان نیستند از پرده اسباب مستغنی
 - ۳) گر آمد برون ماه یوسف ز چاه
 - ۴) از راه نظر مرغ دلم گشت هواگیر

۲۳۸۳ بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

- «پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست
- ۱) شود اشتیاق غالب چو دل بهانه‌جو را
 - ۲) گر کسی را حسد آید که تو را می‌نگرم
 - ۳) نمی‌گفتم مکن در عشق ای دل مبتلا خود را
 - ۴) چون نور که از شمع جدا هست و جدا نیست

مایه غواص گوهرجو نفس دزدیدن است
غنچه تصویر فارغ از غم پژمردن است
گزیده است خاصه در این روزگار
در این زمانه که گوهرشناس نایاب است

سرگشته ساخت ما را گرداب زندگانی
وقت نخلی خوش که پیش از غنچه بستن بار بست
هم به چشم بسته باید خواند این تحریر را
مشت خاشاکی که نتوان سوختن در بیشه نیست

اغلب از بیم جان خویش زنند
یار بد بر جان و بر ایمان زند
که ترسد بکوبد سرش را به سنگ
برآرد به چنگال چشم پلنگ

بیان دیگر مکن ای فیض جز اوصاف حالی را
چون نشان یابد کسی از نور بی‌نام و نشان
خود نیاید بحر اوصاف تو در ظرف بیان
وهم را وسعت آن کو که کند میدانی؟

حقا که سر مو نبری ره به خدای
در درون غار وحدت کن قرار
تا کسی خود را نمی‌بیند به وحدت واصل است
ز خود نگذشتن این‌جا همت مردانه‌ای دارد
از خود رمیدن تو به حق آرمیدن است

که چو پر شد نتوان بستن جوی
چون بیابند رایگان باشد
به که آب‌روی ریزی بر کنار
هم به قدر تشنگی باید چشید

میفکن به روز جزا کار خود را
هر که در مد نظر روز حسابی دارد
که بی حساب تو را نوبت حساب رسید
آن‌چه امروز توان کرد به فردا مگذار
چون صبح هر که در دل بیم حساب دارد

این بار می‌برند که زندانی‌ات کنند
آه کز چاه برون آمد و در دام افتاد
ز بوی پیرهن یعقوب پیغمبر شود بپنا
شد آن چشمه از چاه بر اوج ماه
ای دیده نگه کن که به دام که در افتاد

آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست
روم و کنم نظاره به کسی که دیده او را
من نه در روی تو در صنع خدا می‌نگرم
فکندی دیده و دانسته آخر در بلا خود را
عالم همه آیات خدا هست و خدا نیست

پاسخنامه تشریحی

۱۳ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت مدح پیامبر (ص) است که با صورت سؤال قربانیت ندارد. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) غیب‌دان بودن خدا (۲) غیب‌دانی و غیب‌پوشی خدا (۴) در اختیار خدا بودن عزت و ذلت (قادر مطلق بودن خدا) مفهوم بیت بر حیات‌بخش بودن خدا دلالت ندارد. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) همه غیبی تو بدانی (غیب‌دانی) (۲) همه عیبی تو بپوشی (عیب‌پوشی) (۳) همه بیشی تو بکاهی همه کمی تو فزایی (قادر مطلق بودن) مفهوم بیت به غیب‌دانی خداوند اشاره دارد که به صورت سؤال نزدیک است. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) اقرار جهان بر خداوندی خدا / عدم درک ذات خدا (۳) قابل درک و توصیف نبودن جلال و جمال خدا (۴) عام بودن روزی خدا (رَزَاقِیت عام خدا) ۱۴ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت نشاط واقعی و گویایی حقیقی در مرحله فنای عرفانی است که با صورت سؤال قربانیت ندارد. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) طلب آموزش (۲) امید به آموزش (۴) ستایش یگانگی خدا مفهوم بیت امید به آموزش خداست که با مفهوم صورت سؤال قربانیت معنایی دارد. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) طلب عنایت عادلانه از ساقی (۳) امید رهایی از غم به شرط وفا به عهد امانت الهی (عشق) (۴) در اختیار خدا بودن رنج و راحت ۱۵ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت، آزادگی و ترک تعلقات است که با صورت سؤال قربانیت ندارد. بررسی سایر گزینه‌ها: در گزینه‌های دیگر به مفهوم «نعمت‌افزا بودن شکر» اشاره شده است. ۱۶ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت، موجب قربت بودن طاعت است و «روی جانان» در مصراع دوم بیانگر مفهوم «قربت» است. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) لزوم همراهی عبادت با علم (۳) طلب قربت و نزدیک شدن به خدا (۴) هشدار از وجود خطرات در راه نزدیک شدن به شاه ۱۷ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت حیات‌بخش بودن دم مسیحایی صبح است که با صورت سؤال قربانیت دارد. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) نشاط‌بخشی دیدن آثار آفرینش خدا (۲) برابری غم و شادی برای عارف / شادی کردن بر غم عشق (۴) برابری پادشاهی و گدایی برای عارف / فراگیر بودن عبادت خدا مفهوم بیت طراوت طبیعت و سبزه و گل است که از عبارت صورت سؤال دور است. بررسی سایر گزینه‌ها: در گزینه‌های دیگر به نشاط و خوشی اشاره شده که به مضمون جمله پایانی عبارت نزدیک است. ۱۸ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت به فزونی نعمت‌ها در هر نفس و دعوت انسان به شکرگزاری، اشاره دارد که با صورت سؤال قربانیت دارد. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) طلب عنایت و توجه از معشوق (۳) تسلیم در برابر قضا و سرنوشت (۴) دعوت به شادی در بهار ۱۹ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت، شکر بر نبودن نعمت است که با صورت سؤال تقابل و تضاد دارد. بررسی سایر گزینه‌ها: در گزینه‌های دیگر به شکر و سپاس به خاطر وجود نعمت، اشاره شده است. ۲۰ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت دعوت به شکر و صبر و تسلیم است که با صورت سؤال قربانیت ندارد. بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه‌های دیگر به عجز انسان از شکر خدا اشاره دارند که با صورت سؤال تناسب دارد.

۱ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت، راهنما بودن خرد است که از صورت سؤال دور است. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) ذکر خدا گفتن (۲) تسلیم و بندگی (۳) پادشاهی و هدایتگری ۲ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت به یاری خواستن اشاره ندارد، در حالی که مفهوم «ایاک نستعین»، «یاری خواستن» است. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) ملکا (۲) نروم جز به همان ره که توام راه نمایی (۳) ذکر تو گویم ۳ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت گواهی دادن کائنات به توحید حق و قابل درک نبودن راز توحید است که از صورت سؤال دورتر است. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) بندگی مطلق خدا (۲) حرکت انسان از خدا (۴) ستایش خدا و شایستگی خدا برای مورد ستایش بودن ۴ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت «وابسته بودن حرکت و پویا انسان به فضل خدا» است. از این رو، مفهوم گزینه «۲» از صورت سؤال دور است. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) همه درگاه تو جویم (۳) همه توحید تو گویم (۴) به توحید سزایی ۵ ۱ ۲ ۳ ۴ مفاهیم درست: شکوه (عظیم)، دانایی (حکیم)، شایستگی (سزاوار)، بررسی سایر گزینه‌ها: معادل مفاهیم «بینایی، ستایشگری و پادشاهی» که در گزینه‌های دیگر آمده است، در بیت نیست. ۶ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم جمله پایانی بیت به «توحید» دلالتی ندارد. و مفهوم مناسب آن «الحمد لله» است. بررسی سایر گزینه‌ها: در گزینه‌های دیگر ارتباط معنایی درستی برقرار است. مفهوم «تو نماینده فضل» این است که: «تو نمایان‌کننده فضیلت و برتری هستی.» این مفهوم با مضمون آیه (تَعَزَّ مَنْ تَشَاءُ: عزت می‌دهد هر که را که بخواهد) قربانیت دارد. ۷ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت، مشغول شدن عارف به وصف جمال خداست که با صورت سؤال قربانیت ندارد. بررسی سایر گزینه‌ها: در گزینه‌های دیگر به قابل توصیف نبودن خدا و عجز بشر از درک و توصیف خدا اشاره شده است. ۸ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت قابل توصیف نبودن خدا و عجز انسان از توصیف اوست که با صورت سؤال قربانیت دارد. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) پرسیدن وصف جمال معشوق نامهربان از باد سحرگاهی (۳) توصیف معشوق با زیباترین معانی (۴) شرم لاله در برابر زیبایی جمال معشوق ۹ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت بر فراگیر بودن دانایی خدا دلالتی ندارد. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) «لیس کمثله شیء: چیزی مانند او نیست» قربانیت با «نتوان شبه تو گفتن» (۲) «لا یدرکهُ بَعْدَ الهمم: همت‌های بلند او را درک نمی‌کنند» قربانیت با «نتوان وصف تو گفتن» (۴) «لا ینالُهُ غوص الفطن: عقل‌های زیرک به او نمی‌رسند» قربانیت با «تو در وهم نیایی» ۱۰ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت قابل درک و توصیف نبودن خداست که با صورت سؤال یکسان است. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) آرزوی وصال و دیدار معشوق (۳) تجلی جمال معشوق حقیقی در عالم (۴) شیدایی عاشق در وصف جمال معشوق ۱۱ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت توصیف بی‌قراری عاشق است که از صورت سؤال برداشت نمی‌شود. بررسی سایر گزینه‌ها: (۱) شکوه و جلال (۲) نشاط‌بخش بودن معشوق (سرور) (۳) باعث آرامش بودن معشوق (یقین) ۱۲ ۱ ۲ ۳ ۴ مفهوم بیت صورت سؤال به جود و بخشش خدا اشاره دارد که از همه گزینه‌ها قابل برداشت است.